روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
باسلام خدمت امام عصر(ع)
۲۴ بهمن ۳ ۱۴۰۵
شماره ۸/۲۳۰۵ صفحه/قیمت ۲۰،۰۰۰ تومان در مشهد / عوامل فروش و شهرستان‌ها ۱۵۰۰۰ تومان
خراسان رضوی

نماینده مجلس مطرح کرد:

مسیر نادرست خروج از فهرست آثار ملی تهدید آثار تاریخی

۶

تهران و واشنگتن در آستانه تفاهمی شکننده

توافق ایران و آمریکا از زاویه جدید

۲



کاهش سن بازنشستگی به ۲۰ سال؛

دیوار بلند تبعیض میان زنان کارگر و کارمند!

گزارش

عقب‌نشینی مالیاتی؛

قرار است دست دولت کمتر در جیب مردم برود؟



رئیس سازمان امور مالیاتی از ارائه درخواست کاهش اهداف درآمدی به دولت و مجلس خبر داده است؛ اقدامی که نشانه‌ای از رسیدن ظرفیت اقتصاد و کسب‌وکارها به نقطه اشباع و عقب‌نشینی تدریجی از سیاست‌های انقباضی مالیاتی تلقی می‌شود.
به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از اقتصاد۲۴- سرانجام پس از چند سال پافشاری بر سیاست‌های انقباضی و اعمال فشارهای سنگین...

۴

گزارش

چرا در ایران زبان عروسک‌ها از انسان‌ها برنده‌تر است؟

جادوی اسفنج‌های سخنگو



بازگشت غافلگیرکننده «جناب‌خان» در خرداد ۱۴۰۵ به آنتن شبکه نسیم با مجموعه «قصه‌های هومن و جناب‌خان»، آن‌هم در میان دود و آتش تنش‌های اخیر، فراتر از یک بازگشت ساده، یک نشانه است؛ نشانه‌ای از قدرت جادویی موجوداتی اسفنجی که در تاریک‌ترین روزها به دادِ روانِ رنجور جامعه می‌رسند. تاریخ رسانه در ایران ثابت کرده که عَروسک‌ها هرگز صرفاً ابزار سرگرمی کودکان نبوده‌اند،

۵

پاکستان: درحال تدارک امضای مجازی تفاهم نهایی بین ایران و آمریکا هستیم



نخست‌وزیر پاکستان گفت: با توجه به اینکه احتمالاً نهایی شدن تفاهم ایران و آمریکا در ۲۴ ساعت آینده پیش‌بینی می‌شود، پاکستان در حال آماده‌سازی برای امضای الکترونیکی توافق‌نامه صلح و بلافاصله پس از آن به دنبال مذاکرات فنی در هفته آینده است.
به گزارش روز شنبه خبرنگار ایرنا، شهباز شریف دقایقی قبل در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس اعلام کرد: ما بیش از هر زمان دیگری به توافق صلح نزدیک‌تر هستیم.
وی افزود: با توجه به اینکه احتمالاً نهایی شدن آن در ۲۴ ساعت آینده پیش‌بینی می‌شود، پاکستان در حال آماده‌سازی برای امضای الکترونیکی توافق‌نامه صلح بلافاصله پس از آن و به دنبال آن مذاکرات فنی در هفته آینده است.
شهباز شریف گفت: ما مایلیم از جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا به خاطر تعهد مستمرشان در طول مذاکرات قدردانی کنیم و از برادرانمان در منطقه به خاطر حمایتشان صمیمانه قدردانی می‌کنیم.
نخست وزیر پاکستان تاکید کرد: اطمینان داریم که این توافق‌نامه صلح تاریخی، پایه محکمی برای صلح پایدار ایجاد خواهد کرد.

گزارش

ایران از معماران نظم جدید منطقه در سایه مذاکره شمشیرها



امریکا و رژیم صهیونیستی، جنگ تحمیلی اخیر را با هدف تغییر حکومت، تجزیه کشور و تصاحب منابع نفتی ایران، آغاز کردند و با ترکیب فشار نظامی، تحریم اقتصادی، عملیات روانی و بی‌ثبات‌سازی داخلی تصور کردند می‌توانند اراده ملت ایران را در هم بشکنند؛ اما ایستادگی مردم رشید و آگاه ایران، رشادت‌های غیورمردان نیروهای مسلح و تدابیر مؤثر رهبر معظم انقلاب و تمامی ارکان نظام، ورق را برگرداند و نه تنها متجاوزین به اهداف خود نرسیدند، بلکه بسیاری از معادلات منطقه‌ای نیز دستخوش تغییر شد.

۷

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
یکشنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۵ / سال هفتم / شماره ۲۳۰۵
Vol.3.No.2305 / Jun 14.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com

تهران و واشنگتن در آستانه تفاهم‌شکننده

توافق ایران و آمریکا از زاویه جدید



گزارش آتلانتیک می‌گوید واشنگتن و تهران بار دیگر به توافقی موقت نزدیک شده‌اند، اما بی‌اعتمادی عمیق و اختلاف بر سر اجرای تعهدات، مسیر را دشوار کرده است. طرح پیشنهادی شامل بازگشایی تنگه هرمز، کاهش مرحله‌ای تحریم‌ها، دسترسی ایران به دارایی‌های بلوکه‌شده و راستی‌آزمایی برنامه هسته‌ای است. ترامپ به پایان جنگ نیاز دارد و تهران نیز به گشایش اقتصادی چشم دوخته است، اما کارشناسان نسبت به پایداری این تفاهم تردید دارند.

به نقل از نشریه آتلانتیک، اینکه احساس می‌کنیم اتفاقات بین آمریکا و ایران در حال تکرار است، بی‌دلیل نیست. این دو کشور در گذشته هم بارها تا مرز توافق پیش رفته‌اند، اما هر بار همه‌چیز خراب شده است. در ماه‌هایی که گفت‌وگوها برای پایان دادن به درگیری جریان داشته، دونالد ترامپ حداقل ۳۸ بار گفته که توافق نزدیک است؛ اما هر بار با پیدا شدن اختلافات جدید، درگیری‌های نظامی و حرف‌های ضد و نقیض، این توافق دورتر شده است.

این گفت‌وگوها در شرایط آرامی انجام نشده است. مذاکرات هم‌زمان با حملات نظامی، خط و نشان کشیدن‌ها و آتش‌بس‌های کوتاه‌مدت پیش رفته است؛ وضعیتی که ترامپ به آن «تیراندازی با شدت کمتر» می‌گوید. در این مدت، رئیس‌جمهور آمریکا حرف‌هایی زده که گاهی چند ساعت بعد، دروغ بودنشان ثابت شده است. حتی الان که مقامات آمریکایی می‌گویند متن توافق تا حد زیادی آماده است، هنوز چیزی امضا نشده است.

طرح جدیدی که روی میز قرار دارد، شامل محدودیت‌هایی برای برنامه هسته‌ای، امتیازهای اقتصادی برای ایران و برنامه‌ای برای کاهش درگیری‌ها در منطقه است. بخش اصلی این طرح، باز شدن دوباره تنگه هرمز است. بر اساس این نقشه، ایران نباید مزاحمتی برای کشتی‌ها ایجاد کند و در عوض، کم‌کم به پول‌های مسدود شده خود دسترسی پیدا می‌کند و تحریم‌های نفتی‌اش قدم به قدم برداشته می‌شود.

این توافق همچنین شروعی برای گفت‌وگوهای جدید درباره مواد هسته‌ای ایران خواهد بود. در هفته‌های گذشته، مذاکره‌کننده‌ها پیشرفت خوبی داشته‌اند و متن‌هایی نوشته‌اند که به نظر می‌رسد هر دو طرف با آن موافق‌اند. با این حال، هنوز زمان و مکان دقیق امضای توافق مشخص نیست.

یک مقام ارشد دولت ترامپ تاکید کرد که دو طرف به پایان مسیر نزدیک شده‌اند. عباس عراقچی، وزیر خارجه ایران هم در شبکه ایکس (توییتر سابق) نوشت که توافق نزدیک است.

اقتصاد برای تهران، هسته‌ای برای واشنگتن

موضوع هسته‌ای هنوز هم مهم‌ترین بحث بین تهران و واشنگتن است. به گفته افراد آگاه، پایه این طرح این است که ایران قول بدهد هرگز به دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نمی‌رود. در کنار آن، ایران باید بخش‌هایی از برنامه هسته‌ای خود را جمع‌آوری کند؛ مثلاً اورانیوم غنی‌شده‌ای را که کاربرد نظامی دارد، از بین ببرد یا به کشور دیگری بفرستد.

با این حال، آمریکایی‌ها می‌گویند فقط قول دادن کافی نیست. مشکل اصلی آن‌ها این است که چگونه مطمئن شوند ایران به قولش عمل می‌کند. یک مقام آمریکایی گفت که هیچ‌کدام از دو کشور به هم اعتماد ندارند. هدف مذاکره این است که با برداشتن قدم‌های عملی و قابل بررسی، کم‌کم این اعتماد ساخته شود تا هر دو طرف سود ببرند.

نگرانی اصلی کشورهای همسایه این است که ترامپ چون می‌خواهد این درگیری چهارماهه را زودتر تمام کند، عجولانه توافق کند. این درگیری بازارهای جهانی را به هم ریخته، قیمت بنزین را در آمریکا بالا برده و حتی طرفداران ترامپ را هم دچار اختلاف کرده است. یک مقام عربی می‌گوید ایرانی‌ها خودشان را برای گرفتن بیشترین امتیاز ممکن آماده کرده‌اند. در مقابل، آمریکایی‌ها فکر می‌کنند دست بالاتر را در مذاکرات دارند.

به این ترتیب، مشکل بی‌اعتمادی و نحوه اجرای توافق همچنان پابرجاست. بر اساس این طرح، تهران تنها زمانی از لغو تحریم‌ها سود می‌برد که قدم‌های مشخصی بردارد؛ وگرنه فشارها ادامه پیدا می‌کند.

تهران و واشنگتن به دنبال چه هستند؟

جان آلترمن، کارشناس مسائل خاورمیانه، می‌گوید ایران احساس می‌کند از این بحران پیروز بیرون آمده است؛ چون بزرگ‌ترین قدرت‌های دنیا برای مقابله با آن متحد شدند، اما ایران هنوز سر جای خود ایستاده است. از طرفی، ایران می‌بیند که رقیبانش درگیر مشکلات داخلی و انتخابات سخت هستند؛ به همین دلیل، ترجیح می‌دهد صبر کند تا امتیازهای بهتری بگیرد.

از نگاه دولت ترامپ، این فقط یک توافق با ایران نیست، بلکه نقشه‌ای بزرگ‌تر برای ایجاد صلح در کل منطقه است که شامل ایران، اسرائیل، لبنان و کشورهای عربی می‌شود.

حساس‌ترین بخش توافق، نحوه بازرسی‌هاست. درگیری‌های چند ماه اخیر، شرایط کل منطقه را تغییر داده است. این جنگ میلیاردها دلار خسارت به جا گذاشته، قیمت نفت را بالا برده و بازار کالاهای مهمی مثل کود شیمیایی را خراب کرده است، بنابراین هیچ‌کس نمی‌تواند بگوید بدون ضرر پیروز شده است.

در دو ماه گذشته، نیروهای آمریکایی حداقل چهار بار به موشک‌اندازها، پهپادها و اهداف ایرانی حمله کرده‌اند. این نشان می‌دهد ایران هنوز قدرت نظامی زیادی دارد. در همین مدت، تهران هم چند حمله علیه متحدان آمریکا انجام داده است؛ مثلاً همین ماه، یک پایگاه آمریکایی در کویت هدف حمله ایران قرار گرفت.

پیش از این، تلاش واسطه‌ها برای صلح به نتیجه نرسیده بود. دونالد ترامپ هم اوایل این هفته تهدید کرد که جزیره خارک را اشغال می‌کند؛ حرفی که بیشتر یک بلوف سیاسی به نظر می‌رسید. با این حال، متن توافق نشان می‌دهد که هیچ‌کدام از دو طرف دلشان نمی‌خواهد دوباره به دوران شلیک موشک و حملات هوایی برگردند. این درگیری هم احتمالاً برنده قطعی نخواهد داشت و فقط با یک توافق خسته‌کننده تمام می‌شود.

ستون اصلی انتقادها چیست؟

مخالفان مذاکره ایران و آمریکا چند دسته‌اند؟

الهه خسروی:

هر بار که زمزمه مذاکره ایران و آمریکا بالا می‌گیرد، مخالفت‌ها هم در داخل ایران پررنگ‌تر می‌شود؛ مخالفتی که فقط ریشه ایدئولوژیک ندارد و از تجربه برجام، بی‌اعتمادی به آمریکا، نگرانی‌های امنیتی و حتی رقابت‌های سیاسی داخلی تغذیه می‌کند.

با هر نشانه‌ای از پیشرفت در گفت‌وگوهای ایران و آمریکا، یک پرسش قدیمی دوباره به صدر بحث‌های سیاسی برمی‌گردد: چرا در ایران هنوز عده‌ای با مذاکره با آمریکا مخالف‌اند؟

این مخالفت، برخلاف تصور رایج، فقط یک واکنش احساسی یا صرفاً شعاری نیست. درون این جبهه، هم بدبینی تاریخی به آمریکا دیده می‌شود، هم نگرانی از تکرار تجربه‌های پرهزینه گذشته و هم ملاحظات سیاسی و امنیتی که باعث می‌شود بخشی از جریان‌های داخلی، هر نوع توافق با واشنگتن را با تردید نگاه کنند.

شاید بتوان گفت ستون اصلی مخالفت با مذاکره، همین یک جمله است: آمریکا قابل اعتماد نیست.

منتقدان مذاکره معمولاً به تجربه‌های قبلی اشاره می‌کنند؛ از تغییر مواضع دولت‌های آمریکا گرفته تا خروج از توافق‌ها و بازگشت فشارها. در نگاه این طیف، مذاکره با طرفی که ممکن است با تغییر دولت یا شرایط سیاسی مسیرش را عوض کند، ریسک بالایی دارد.



به همین دلیل، آن‌ها معتقدند توافق بدون تضمین محکم، بیشتر از آنکه راه‌حل باشد، می‌تواند زمینه‌ساز یک تجربه پرهزینه دیگر شود.

سایه برجام هنوز سنگین است

بخش مهمی از مخالفان، نقد خود را بر پایه تجربه برجام بنا می‌کنند. از نگاه آن‌ها، ایران در آن توافق تعهدات مشخصی پذیرفت، اما دستاورد اقتصادی وعده‌داده‌شده به شکلی پایدار و ملموس محقق نشد.

همین تجربه باعث شده بسیاری از منتقدان بگویند مشکل فقط «اصل مذاکره» نیست، بلکه توافقی است که روی کاغذ امیدوارکننده به نظر می‌رسد اما در عمل گرهی از اقتصاد کشور باز نمی‌کند. به بیان دیگر، برای این طیف، مذاکره وقتی معنا دارد که نتیجه آن قابل لمس، تضمین‌شده و ماندگار باشد.

مخالفت ایدئولوژیک؛ هنوز یک عامل مهم است

در کنار ملاحظات فنی و سیاسی، برای بخشی از جریان‌های داخلی، از نگاه برخی منتقدان ، مذاکره با آمریکا همچنان یک موضوع هویتی و ایدئولوژیک است. در این نگاه، واشنگتن فقط یک طرف مذاکره نیست، بلکه نماد سال‌ها فشار، تحریم، تهدید و مداخله تلقی می‌شود.

از همین زاویه، برخی جریان‌ها نگران‌اند که هر گونه مذاکره بدون دستاورد روشن، به‌عنوان عقب‌نشینی از مواضع اصولی تعبیر شود. البته حتی در همین طیف هم همه یک‌نظر نیستند؛ برخی با اصل گفت‌وگو مخالف‌اند و برخی دیگر فقط مذاکره از موضع ضعف را رد می‌کنند.

نگرانی امنیتی؛ ماجرا فقط هسته‌ای نیست

یکی دیگر از دلایل مخالفت، نگرانی از این است که آمریکا مذاکره را محدود به یک پرونده خاص نگه ندارد. منتقدان می‌گویند واشنگتن معمولاً تلاش می‌کند از یک موضوع مشخص، به موضوعات گسترده‌تر برسد؛ از برنامه هسته‌ای تا توان موشکی، نفوذ منطقه‌ای و دیگر مؤلفه‌های بازدارندگی ایران.

در این چارچوب، مخالفت با مذاکره گاهی نه از سر رد مطلق دیپلماسی، بلکه از ترس باز شدن پرونده‌های جدیدی است که به باور این گروه، می‌تواند هزینه‌های امنیتی بیشتری برای ایران ایجاد کند.

سیاست داخلی هم بی‌تاثیر نیست

واقعیت این است که مذاکره با آمریکا در ایران فقط یک موضوع سیاست خارجی نیست؛ یک موضوع سیاست داخلی هم هست. هر توافق احتمالی می‌تواند به نام یک جریان سیاسی ثبت شود و توازن قدرت یا اعتبار سیاسی را در داخل تغییر دهد.

به همین دلیل، بخشی از مخالفت‌ها را باید در بستر رقابت‌های جناحی هم فهمید. در چنین فضایی، مذاکره فقط یک پرونده دیپلماتیک نیست، بلکه به مسئله‌ای برای رقابت بر سر کارنامه، اعتبار و کنترل روایت سیاسی هم تبدیل می‌شود.

آیا همه مخالفان، مخالف هر نوع گفت‌وگو هستند؟

نه. اینجا یک تفکیک مهم وجود دارد. همه منتقدان مذاکره، مخالف گفت‌وگوی مطلق نیستند. بخشی از آنان می‌گویند اگر مذاکره‌ای هم قرار است انجام شود، باید:

از موضع قدرت باشد
محدود به موضوعی مشخص بماند
ضمانت اجرایی داشته باشد
قابل راستی‌آزمایی باشد

و اقتصاد کشور به نتیجه آن شرطی نشود

یعنی در واقع، بخشی از این مخالفت نه با «اصل گفت‌وگو»، بلکه با مذاکره شتاب‌زده، پرهزینه یا بدون تضمین است.

راه‌حل جایگزین مخالفان چیست؟

گروهی از منتقدان مذاکره، با مذاکره تحت هیچ شرایطی موافق نیستند و البته نسخه جایگزینی هم ارائه نمی‌دهند و خروجی نگاه آنان چیزی جز جنگ بی‌پایان تا پیروزی بر بزرگترین قرت نظامی جهان نیست . اینان تاب‌آوری اقتصادی، اجتماعی و نظامی اجرای ایده خود را لحاظ نمی‌کنند و به همین دلیل از سوی منتقدانشان به رویای‌فروشی متهم می‌شوند.

گروه دیگری از مخالفان مذاکره معمولاً بر این باورند که نباید حل مشکلات کشور به نتیجه گفت‌وگو با آمریکا گره بخورد. آن‌ها بیشتر بر راهبردهایی مانند خنثی‌سازی تحریم‌ها، تقویت اقتصاد داخلی، توسعه روابط منطقه‌ای، همکاری با قدرت‌های غیرغربی و کاهش وابستگی به توافق با واشنگتن تاکید می‌کنند و اینان نیم نگاهی به ابرچالش‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی جنگ دارند، هرچند، اولویت‌شان همچنان بر ادامه جنگ و نفی مذاکره است.

در این نگاه، حتی اگر مذاکره هم انجام شود، نباید به تنها ستون سیاست اقتصادی و خارجی کشور تبدیل شود.

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
یکشنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۵/ سال هفتم / شماره ۲۳۰۵
Vol.3.No.2305 / Jun 14.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com

گزارشی از ریشه انتقادات رئیس جمهوری به رسانه‌ای که باید ملی باشد؛

موضع پزشکیان درباره صداوسیما تغییر کرده است؟



از زمـان روی کار آمـدن دولت پزشـکیان منتقـدان به او توصیـه می‌کردند از تخصیص بودجه به این سـازمان که توجهی به مخاطب و حتی جریان‌های سیاسی دیگری به جز جبهه پایداری ندارد خودداری کند. به اعتقاد منتقدان تا زمانی که صداوسیما بودجه عمومی را حیف و میل کنند و از نظر مالی نتوانند روی پای خود بایستند برخوردهای جناحی صداوسیما ادامه پیدا خواهد کرد.

کیاوش حافظی: مسـعود پزشکیان هم مثل بقیه روسای جمهور حالا در برابر صداوسیما قرار گرفته است. اگر عملکرد صداوسیما در جایگاه یک رسانه حاکمیتی تا دوره‌ای برای مخاطبان این رسانه رضایت‌بخش نبوده، رفته‌رفته صدای روسـای دولت‌هـای مختلف را هـم در آورده است. حالا مسعود پزشکیان با انتقادات صریح و روزافزون خود نشان می‌دهد که از این قاعده مستثنی نیست.

پزشـکیان بـرای اولین بار بهمن ماه سـال گذشـته در حالی که یک سال و اندی از روی کار آمدن دولت چهاردهم می‌گذشت روی آنتن تلویزیون از صداوسیما انتقاد کرده بود؛ انتقادی که البته خیلی هم صریح نبود و بیشتر متوجه برنامه‌سـازی‌های این سـازمان بود. در مراسم بهره‌برداری از یک نیروگاه خورشـیدی وقتی که مجری مراسـم اعلام کرد که این برنامه از شبکه خبر ۲ پخش می‌شود پزشکیان به مجری واکنش نشـان داد و گفت: «شبکه خبر خیلی مهم نیسـت. شبکه خبر به جای آن حرف‌های بی‌ربط از این حرف‌ها بزند که مردم هم بدانند [صداوسـیما] دارد کمـک می‌کنـد.» همین واکنش کوتاه باعث شد صداوسیما جهت‌گیری سیاسی خود را عیان کند و با توقف پخش زنده نطق نماینده عضو جبهه پایداری در مجلس را پخش کنند.

او چنـد هفته قبل هم بـرای دومین بار در جلسـه‌ای با رئیـس و مدیران صداوسـیما از طرح برخی تحلیل‌هـای غیرواقعی در تریبون این سـازمان انتقاد کـرد و گفت: گاهی برخی کارشناسـان در رسانه ملی سـخنانی مطرح می‌کنند که بـا واقعیت‌های جاری کشـور و روندهای موجود فاصله جـدی دارد، اما دولت به‌منظور جلوگیـری از اختلاف و حفظ آرامش جامعه، از واکنش و موضع‌گیری پرهیز می‌کند.

جـز این موارد به تازگـی فیلمی از اظهارات پزشکیان در جلسه شورای هماهنگی اقتصادی دولت منتشر شده است که دوباره نقد تیز خود را متوجه صداوسیما می‌کند. پزشکیان با بیان اینکه باید واقعیت‌های جامعه را با مردم در میان گذاشت گفته در رسانه‌ها، صداوسیما بیشتر هر روز شـعار می‌دهد. نمی گویم شعار ندهید اما واقعیت‌ها را هم بگوییم.

او سـپس ادامه می‌دهـد: شـعارهایی که می‌دهید، حرف‌هایی کـه می‌زنید توقع ایجاد کرده اسـت. ما الان باید کالابـرگ را افزایش می‌دادیـم و باید هم بدهیـم. هرچیزی را که می‌خواهید قطع کنید امـا کالابرگ باید برای دهک های شـش، هفت و هشت افزایش پیدا کنـد. برای اینکه ما به مـردم قول داده ایم. به مردم وعده دروغ ندهیـم و حرف دروغ نزنیم، شـعار غیرواقعی ندهیم تا وعده‌های دروغین و شعارهای غیرعملیاتی خودداری کنیم تا مسئله به طور اساسی روشن شود.

پزشکیان: مجبور می‌شویم پاسخ درخور بدهیم

اما پزشـکیان حالا در نقد صداوسیما کمی جلوتر رفته اسـت. برخلاف مـوارد قبلی او به تازگی اظهـارات جدیدی در خصوص جام جم مطرح کرده که بیش از آنکه گلایه باشـد یک موضع‌گیری است؛ آن هم موضع‌گیری‌هایی که نشـانه‌ای از تصمیمات جدید برای صداوسیما دارد.

او انتقـاد از صداوسـیما را حالا به شـبکه اجتماعـی ایکس کشـانده؛ جایـی که دیگر مخاطبانش مدیران دولتی یا مدیران این رسانه نیسـتند، بلکه مردم عادی انـد. او با لحنی که شبیه خطونشانی سیاسی است نوشت: همکاران ما در دولت همواره مراقب بوده‌اند آرامش روانی جامعه مورد تهدید قـرار نگیرد و تاکید من بر حفظ وحدت و تحمل تفاوت‌هاسـت، اما وقتی صداوسیما و برخی فعالان رسانه‌ای در شرایط جنگـی لبه نقدهای غیرمنصفانه را به سـمت دولت بگیرند، مجبور خواهیم بود پاسخ درخور بدهیم. این به صلاح کشور نیست.

تا وقتی صداوسیما دستش در جیب مردم است اصلاح نمی‌شود

پزشکیان در تهدید صداوسیما فقط به دادن پاسخ درخور بسـنده کرده و توضیح بیش‌تری نداده اسـت. اما از زمـان روی کار آمدن دولت چهاردهـم منتقدان بـه او توصیه می‌کردند از تخصیـص بودجه به این سـازمان که توجهی به مخاطب و حتی جریان‌های سیاسی دیگری به جز جبهه پایـداری ندارد خودداری کند. به اعتقاد منتقدان تا زمانی که صداوسیما بودجه عمومی را حیـف و میل می‌کند و از نظر مالی نتواند روی پای خود بایستد برخوردهای فرقه‌ای صداوسیما ادامه پیدا خواهد کرد.

تعامل با صداوسیما از طریق شورای نظارت نتیجه‌ای نداشت؟

این در حالی است که دولت در شورای نظارت بر صداوسـیما دو نماینده دارد. این شـورا از ترکیب شـش نفر از نمایندگان قوای سه گانه تشکیل شده اسـت که الیاس حضرتی رئیس شورای اطلاع رسانی دولت و سیدعباس صالحی وزیر ارشـاد نمایندگان دولت چهاردهم در این شورا هستند. فارغ از اینکه خروجی این نظارت بر صداوسیما چیسـت، نمایندگان دولت‌های مختلف در شـورای نظارت بر صداوسـیما با رایزنی تلاش می‌کردند تضاد بین این سـازمان و دولـت را به کمترین حد خود برسـانند که تضادها بروز پیدا می‌کرد و حالا به نظر می‌رسد موضع‌گیری‌های مکرر پزشکیان علیه صداوسیما هم به آنجا برمی‌گردد که در دو سـال گذشته تعامل با صداوسیما از طریق شورای نظارت بر آن نتیجه‌ای نداشته است.

رفتارهای صداوسـیما فقط به موضوع دولت پزشـکیان هم برنمی‌گردد. صداوسـیمایی که وحید جلیلی با تفکرات نزدیک به جبهه پایداری بر آن سایه سـنگینی انداخته است در یکی از آخرین رفتارهای جنجالـی خود، پیام رهبری به مناسـبت عید غدیر و سی هفتمین سالگرد ارتحال امام را هم به شـکل ناقص منتشر کرد و حتی این شائبه را نیز برانگیخت که دست به انتشار مطلب به شکل گزینشی زده است.

اینک انتشار گزینشی خبر رهبری آن هم از سوی صداوسیما

آنطـور که صداوسـیما خود اعـلام کرد دو جملـه از پیام رهبری حذف شـده بود که به ادعای این سازمان سـهوی بوده و به محتوای پیام خدشـه‌ای وارد نکرد. اما برخلاف این ادعا پیـام یکی از جملات حذف شـده به اقدامات تندروها اشاره داشـت و خواستار آن شده بود که از اختلاف‌افکنی، ایجاد بدگمانی و اقداماتی از این دست پرهیز شود. در این جمله که حذف شده بود، آمده: «در این مقام، نقش مسئولان در پشتیبانی از این امور بسیار مهم است. هرگونه اقدامی که موجب بدبینی و سـرخوردگی آحاد مردم شود، نوعی کمک به دشمن این کشور و مردمانش محسوب می‌گردد.»

این اقدام باعث شـد که صداوسـیما در این خصوص عذرخواهی کند و در اطلاعیه‌ای اعلام کند این خطا سـهوی بوده اسـت. صداوسیما توضیح داده کـه در بخش‌های خبری ۲۰:۳۰ و ۲۱ پنجشـنبه پخش شد متاسفانه در هنگام اصلاح تصویـر دو جمله از متن پیام به صورت سهوی حذف شـده بود، که پس از اصلاح این اشتباه، امروز جمعه محتوای کامل این پیام در بخـش خبری ۱۴ پخـش و در فضای مجازی خبرگزاری صداوسیما هم بارگذاری شد.

با این حـال این توضیحات بـرای فعالان رسـانه‌ای قانع کننـده نبود. پیـام رهبری همیشه حساس‌ترین خبر رسـانه‌ها بوده، به طوری که متن خام خبـر بارها قبل و بعد از انتشار خبر در رسانه‌ها دوباره بررسی می‌شوند تا اشتباهی رخ ندهد و اینکه صداوسیما با آن ساختار عریض و طویل و تعداد پرسنل، چنین خطایی مرتکب می‌شـود عجیـب و تا حدی غیرقابل باور است.

حملات مکرر به مذاکره!

پرده دیگری از سـاز ناکوک صداوسـیما که البتـه تازگی ندارد، زیر سـؤال بردن مذاکرات است. همان‌طور که در زمان مذاکرات هسته‌ای منجر به انعقاد برجام در دهه ۹۰ این سـازمان مخالفت خود با آن روند را به شـکل پیام‌هایی علیه سازش‌کاری مخابره می‌کرد، در دوره اخیر هم با دعوت از افراد تندرو و البته تکراری و بعضا ناشناس این مخالفت را نشان می‌دهد؛ تا جایی که پزشکیان در دومین نقد خود به صداوسیما گفت: در مواردی، کلیپ‌هایـی از بیانات رهبر شـهید انقلاب درباره مذاکره به‌گونه‌ای بازنشر می‌شـود که گویا نظام به‌صورت مطلق مخالف هرگونه مذاکره بوده اسـت، در حالی که رهبر شـهید هیچ‌گاه با مذاکـره عزتمندانه، مبتنی بـر اقتدار و در چارچـوب منافع ملی مخالفت نداشتند و در دیدارهایی که با معظم‌له داشتیم، نگاه ایشان همواره مبتنی بر حفظ عزت، حکمت و مصلحت نظام بود.

با اینکه تجربه نشـان داده که تغییر رؤسای صداوسیما هم در مشـی این سازمان تغییری ایجاد نمی‌کند، در دوره پیمان جبلی که وحید جلیلی قائم‌مقام او اسـت تندروی‌ها بیشتر از قبل شده اسـت. بر این اساس برخی معتقدند که هسته‌ای در درون صداوسیما خط‌مشی‌های این سـازمان را تعیین می‌کنند که سـرخود تصمیم‌گیـری می‌کنند، به کسـی پاسـخ‌گو نیسـتند و حتی نـگاه کلان حاکمیتی را هم دنبال نمی‌کنند.



روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
یکشنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۵ / سال هفتم / شماره ۲۳۰۵
Vol.3.No.2305 / Jun 14.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com

عقب‌نشینی مالیاتی؛

قرار است دست دولت کمتر در جیب مردم برود؟



رئیس سازمان امور مالیاتی از ارائه درخواست کاهش اهداف درآمدی به دولت و مجلس خبر داده است؛ اقدامی که نشانه‌ای از رسیدن ظرفیت اقتصاد و کسب‌وکارها به نقطه اشباع و عقب‌نشینی تدریجی از سیاست‌های انقباضی مالیاتی تلقی می‌شود.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از اقتصاد۲۴- سرانجام پس از چند سال پافشاری بر سیاست‌های انقباضی و اعمال فشارهای سنگین مالیاتی بر دوش جامعه و فعالان اقتصادی، نخستین نشانه‌های عقب‌نشینی تاکتیکی از سوی مراجع تصمیم‌گیر آشکار شده است.

رئیس سازمان امور مالیاتی کشور اعلام کرد که درخواست کاهش هدف درآمدهای مالیاتی امسال را به دولت و مجلس ارائه داده است، اقدامی که در بطن خود حامل یک اعتراف بزرگ و تلخ است؛ اعتراف به این حقیقت که کفگیر مالیاتی دولت به ته دیگ خورده و دیگر رمقی در تن بی‌جان اقتصاد، کسب‌وکارهای خرد و معیشت مردم باقی نمانده است که بتوان با تکیه بر آن، چرخ لنگان هزینه‌های دولتی را چرخاند.

اقتصاد ایران در سال‌های اخیر زیر بار تورم مزمن و رکود عمیق، ظرفیت خود را برای پرداخت مالیات‌های نجومی از دست داده و اکنون به نظر می‌رسد دولت نیز ناگزیر به درک این واقعیت ملموس شده است.

میراث مالیاتی دولت سیزدهم؛ فشار وحشتناک بر گلوی کسب‌وکارها

برای درک ریشه‌های استیصال امروز، باید به عقب برگشت؛ به سال‌هایی که بخش عمده‌ای از درآمدهای بودجه‌ای با تکیه بر درآمدهای مالیاتی بسته شد. در دوران دولت سیزدهم، حجم مالیات‌ستانی از جامعه به شکلی بی‌سابقه و عجیبی افزایش یافت. سهم مالیات در تامین بودجه به ارقام نجومی رسید، به طوری که امروزه نزدیک به ۷۰ درصد از هزینه‌های جاری دولت از همین محل یعنی از جیب مردم و فعالان بخش خصوصی تامین می‌شود.

این سیاست انقباضی شدید، بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های میدانی و نرخ تورم کمرشکن پیاده‌سازی شد. نتیجه مستقیم این رویکرد، پدیدار شدن موجی از ناامیدی، استیصال و افسردگی اقتصادی در میان توده مردم و به ویژه صاحبان مشاغل کوچک و متوسط بود. دولت وقت با این تصور که می‌تواند کسری بودجه ناشی از تحریم‌ها و سوءمدیریت را با فشار بر مودیان شناسنامه‌دار جبران کند، عملاً به تضعیف موتورهای محرک اقتصاد پرداخت. بسیاری از مغازه‌داران، کارگاه‌های تولیدی کوچک و توزیع‌کنندگان محلی در این سال‌ها زیر بار این فشار یا کرکره‌های خود را پایین کشیدند و یا به حاشیه بازار رانده شدند.

از تولیدکننده تا مصرف‌کننده؛ زنجیره انتقال درد اقتصادی

هرچند در نگاه اول به نظر می‌رسید این مالیات‌ها تنها یقه تولیدکننده یا فروشنده را می‌گیرد، اما قانون ظروف مرتبطه در اقتصاد خیلی زود اثر خود را نشان داد. تولیدکننده‌ای که با افزایش تصاعدی مالیات بر عملکرد، مالیات بر ارزش افزوده و انواع عوارض روبه‌رو می‌شد، برای بقای خود چاره‌ای جز انتقال این هزینه‌ها به انتهای زنجیره نداشت.

در نتیجه، بار اصلی این فشار سنگین مستقیماً روی دوش مصرف‌کننده نهایی یعنی توده مردم افتاد. کالاهای اساسی و خدمات روزمره گران‌تر شدند و قدرت خرید جامعه که پیش از آن هم توسط تورم بلعیده شده بود، به شدت سقوط کرد. این فشار مضاعف حتی به بخش‌های حمایتی مانند حق اولاد، عائله‌مندی و مسکن کارگران نیز سرایت کرد؛ اقداماتی که نشان داد برخی نهادهای دولتی گویی همسو شده‌اند تا هر روز سفره مردم را کوچک‌تر کنند. فرآیند مالیات‌گیری به جای آنکه ابزاری برای بازتوزیع عادلانه ثروت باشد، به ابزاری برای فشار بیشتر به جامعه تبدیل شد.

چرخش اجباری؛ چرا اقتصاد دیگر ظرفیت این حجم از مالیات را ندارد؟

درخواست اخیر رئیس سازمان مالیاتی برای کاهش اهداف درآمدی نشان می‌دهد که حاکمیت سرانجام متوجه پیامدهای مخرب این دست‌اندازی بی‌رویه به دارایی‌های مردم شده است. اقتصاد کلان کشور امروز در وضعیت هشدار قرار دارد. نرخ رشد اقتصادی پایین، تداوم تورم بالای ۴۰ درصد و کاهش شدید حاشیه سود در بخش تولید، دیگر هیچ فضایی برای مانور بیشتر مالیاتی باقی نگذاشته است.

کسب‌وکارهای بدنه جامعه دیگر توان تحمل شلاق‌های مالیاتی جدید را ندارند. در این شرایط، حتی اصرار بر حفظ سقف‌های قبلی مالیاتی، به معنای تیر خلاص به اندک رمق تولید داخلی و تجارت خرد است. پافشاری بر این رویکرد می‌توانست به فرار گسترده سرمایه‌ها، زیرزمینی شدن فعالیت‌های اقتصادی و گسترش بخش خاکستری بازار منجر شود؛ پدیده‌ای که در نهایت درآمدهای دولت را حتی از میزان فعلی نیز کمتر می‌کرد. بنابراین، تصمیم برای بازنگری در اهداف مالیاتی نه یک انتخاب از سر رفاه، بلکه یک ضرورت گریزناپذیر برای بقای نیم‌بند اقتصاد است.

نوبت بزرگ دانه درشت‌ها و نورچشمی‌ها است

بزرگ‌ترین پارادوکس و نقطه تاریک در سیستم مالیاتی کشور این است که در تمام سال‌های فشار بر مردم عادی، دالان‌های تاریکی وجود داشته که جریان‌های مالی کلان به راحتی و بدون پرداخت حتی یک ریال از درون آنها عبور کرده‌اند. در حالی که ممیزان مالیاتی برای ریال به ریال درآمد یک مغازه‌دار یا کارمند خط‌کش می‌گذارند، حجم فرار مالیاتی در اقتصاد ایران بر اساس آمارهای غیررسمی سر به فلک می‌کشد.

این ضعف در ساختار نظارتی و اجرایی از آن رو است که دولت به جای آنکه تور مالیاتی خود را پهن کند تا دانه درشت‌ها، دلالان بزرگ، سوداگران بازارهای زیرزمینی و سلبریتی‌هایی با درآمدهای نجومی را شکار کند، راحت‌ترین راه یعنی دست کردن در جیب مودیان شفاف و حقوق‌بگیران ثابت را انتخاب کرده است. ضمن اینکه سیستم مالیات‌گیری کشور به دلیل ضعف در تقاطع اطلاعاتی بانک‌ها و سازمان مالیاتی و همچنین نبود اراده جدی سیاسی، در ردیابی درآمدهای کلان مافیایی و قاچاق ناتوان است و بار این ناتوانی را مردم عادی با پرداخت مالیات مضاعف به دوش می‌کشند.

سازمان‌های حاکمیتی و معافیت‌های ابدی؛ تبعیض در ترازوی قانون

علاوه بر فرارهای مالیاتی غیرقانونی، بخش بزرگی از فرارها شکل قانونی به خود گرفته‌اند که تحت عنوان «معافیت‌های مالیاتی» شناخته می‌شوند. بسیاری از نهادها، ارگان‌ها و سازمان‌های بزرگ دولتی، شبه‌دولتی و حاکمیتی که بخش عمده‌ای از اقتصاد و شریان‌های تجاری کشور را در دست دارند، به موجب قوانین خاص یا تفسیرهای مصلحت‌آمیز، از پرداخت مالیات معاف هستند.

این تبعیض آشکار، عدالت مالیاتی را به طور کامل مخدوش کرده است. چطور می‌توان از یک کسب‌وکار نوپا یا یک کاسب جزء در شرایط رکود توقع همراهی داشت، در حالی که کارتل‌های بزرگ اقتصادی متصل به هسته‌های قدرت، سودهای نجومی خود را بدون کمترین مشارکت در هزینه‌های عمومی کشور به جیب می‌زنند؟ اگر بنا بر تامین مخارج دولت از محل مالیات است، این قانون باید شامل تمام نهادهای فعال در چرخه اقتصادی کشور شود. لغو معافیت‌های بی‌مورد سازمان‌های قدرتمند حاکمیتی، بیش از هر اصلاحیه بودجه‌ای می‌تواند تراز مالی دولت را مثبت کند.

ضرورت جراحی ساختار به جای جیب‌بری از مردم

عقب‌نشینی امروز دولت و اعتراف به ضرورت کاهش هدف‌گذاری‌های مالیاتی، گام مثبتی است، اما به هیچ وجه کافی نیست. دولت باید درک کند که راهکار نجات از کسری بودجه، فشار بر مردم و کسب‌وکارهای مستاصل نیست، بلکه چرخش فرمان به سمت منابع پنهان و فراری است.

کشور در شرایط کنونی نه تنها به توقف رشد مالیات‌ها، بلکه به یک «کاهش ملموس و واقعی نرخ مالیات» برای اصناف و توده مردم نیاز دارد تا انگیزه فعالیت اقتصادی و توان خرید جامعه احیا شود. برای تامین کسری بودجه، دولت باید به جای تکیه بر درآمدهای سهل‌الوصول حاصل از جیب مودیان شناسنامه‌دار، دست به یک جراحی شجاعانه بزند؛ جراحی‌ای که خروجی آن ردیابی فرارهای مالیاتی دانه درشت‌ها، مالیات‌ستانی از ثروت‌های بادآورده سلبریتی‌ها و دلالان، و مهم‌تر از همه، لغو معافیت‌های مالیاتی نهادهای بزرگ و نورچشمی‌های اقتصادی باشد. تنها در این صورت است که مالیات از یک ابزار تنبیهی و فشار، به ابزاری برای توسعه و عدالت اجتماعی تبدیل خواهد شد.

شوک جدید به بازار مرغ

معاون وزیر جهاد کشاورزی با اشاره به وجود ۲۰ هزار واحد مرغداری و نفوذ واسطه‌ها در بازار، از استراتژی جدید دولت برای حذف مداخله مستقیم و سپردن بازار به زنجیره‌های تولید پرده برداشت.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرآنلاین، وزارت جهاد کشاورزی در حال تغییر رویکرد از مداخله مستقیم در بازار محصولات دامی به سمت واگذاری بیشتر اختیارات به تشکل‌ها و زنجیره‌های تولید است؛ به‌طوری که معاون امور تولیدات دامی این وزارتخانه از برنامه دولت برای سپردن مسئولیت تنظیم بازار مرغ، تخم‌مرغ و بخشی از تولیدات دامی به فعالان این صنعت خبر داد و یکپارچه‌سازی زنجیره تولید را راهکار اصلی کاهش نوسانات بازار عنوان کرد.

روح‌اله زحمتکش معاون امور تولیدات دامی وزارت جهاد کشاورزی با اشاره به برنامه‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت این معاونت برای ساماندهی بازار محصولات دامی اظهار کرد: بخشی از برنامه‌های کوتاه‌مدت اجرا شده و بخشی دیگر در حال پیگیری است. همچنین برنامه‌هایی نیز به‌صورت بلندمدت برای ایجاد ثبات پایدار در بخش تولیدات دامی و تامین نیاز آینده کشور در دستور کار قرار دارد. در بخش برنامه‌های کوتاه‌مدت، موضوع تنظیم بازار بیشتر در حوزه طیور مطرح است. زنجیره تولید طیور از لایه‌های مختلف و پیچیده‌ای تشکیل شده، که فراتر از محصول نهاییِ قابل مشاهده برای مصرف‌کنندگان است. کنترل این زنجیره در شرایط تنش و رخدادهایی که موجب تغییر الگوی تقاضای مصرف‌کنندگان می‌شود، بسیار دشوار است و گاهی از حالت مدیریت عادی خارج می‌شود. هدف ما این بود که بدون آسیب وارد شدن به بخش‌های بالادستی زنجیره، بتوانیم در سریع‌ترین زمان ممکن شرایط را به وضعیت عادی بازگردانیم که خوشبختانه اکنون این وضعیت برقرار شده است.

معاون امور تولیدات دامی وزارت جهاد کشاورزی ادامه داد: جوجه‌ریزی‌هایی که در حال حاضر انجام می‌شود کاملا طبیعی و متناسب با میزان تقاضاست. البته با توجه به ورود به فصل گرما، به منظور پیشگیری از آثار بیماری‌ها، تلفات احتمالی و کاهش وزن‌گیری در شرایط آب‌وهوایی گرم، میزان جوجه‌ریزی اندکی بیش از نیاز معمول در نظر گرفته شده است. در مجموع میزان تولید کاملا متناسب با نیاز کشور بوده و حتی اندکی بیش از نیاز فعلی برنامه‌ریزی شده است.



زحمتکش با اشاره به برنامه‌های بلندمدت این وزارتخانه گفت: هدف اصلی ما صرفا مدیریت روزمره بازار نیست، بلکه به دنبال اجرای اصلاحاتی هستیم که در آینده نیز آثار خود را نشان دهد و شرایطی ایجاد کند که دیگر شاهد نوسانات مکرر در بخش طیور نباشیم و همچنین کاهش سرانه مصرف گوشت قرمز متوقف شود. در بخش گوشت قرمز نیز هدف‌گذاری‌ها به گونه‌ای است که زمینه بازگشت به روند افزایشی سرانه مصرف فراهم شود. جلسه‌ای که امروز با زنجیره‌های تولید برگزار شد نیز در همین راستا و با محوریت اصلاح ساختارها برگزار شد.

به گفته معاون امور تولیدات دامی وزارت جهاد کشاورزی؛ زنجیره تامین طیور از جمله حوزه‌هایی است که مدیریت آن بسیار دشوار است. زنجیره مرغ گوشتی ایران را می‌توان یکی از پیچیده‌ترین زنجیره‌های تامین در دنیا دانست. یکی از دلایل این پیچیدگی، تعداد بسیار زیاد فعالان این زنجیره است. به عنوان نمونه، در بخش پرورش مرغ گوشتی حدود ۲۰ هزار واحد تولیدی فعالیت می‌کنند. همچنین حدود ۲۷۰ کشتارگاه و نزدیک به ۶۰۰ تا ۷۰۰ واحد تولیدکننده جوجه گوشتی در کشور وجود دارد. علاوه بر این، واسطه‌ها و دلالان متعددی نیز در این زنجیره حضور دارند. به عنوان مثال در حوزه فروش جوجه گوشتی و همچنین در مراحل پس از کشتار، واسطه‌های متعددی فعالیت می‌کنند که بر پیچیدگی این زنجیره می‌افزاید.

زحمتکش یکی دیگر از عوامل پیچیده‌کننده این زنجیره را فسادپذیری و محدودیت زمانی محصولات دانست و توضیح داد: محصولات این بخش قابلیت انبارش طولانی‌مدت ندارند. جوجه گوشتی تنها یک روز امکان نگهداری دارد و گوشت گرم نیز با توجه به ترجیح مصرف‌کنندگان، مدت زمان محدودی برای عرضه و مصرف دارد. عامل مهم دیگر، فاصله زمانی اجتناب‌ناپذیر برای دستیابی به محصول نهایی است؛ زمانی که امکان کوتاه کردن آن وجود ندارد.

وی افزود: به عنوان مثال، حداقل ۵۰ روز زمان لازم است تا یک جوجه گوشتی به مرغ آماده کشتار تبدیل شود. همچنین ۲۱ روز زمان نیاز است تا تخم‌مرغ نطفه‌دار به جوجه تبدیل شود. یک جوجه مادر نیز حداقل هفت ماه باید پرورش یابد تا بتواند وارد چرخه تولید تخم‌مرغ نطفه‌دار و جوجه گوشتی شود. در سطوح بالاتر زنجیره نیز اجداد مرغ حداقل هفت ماه باید نگهداری شوند تا امکان تولید جوجه مادر و در نهایت جوجه گوشتی فراهم شود.

زحمتکش با اشاره به عوامل ساختاری موثر بر نوسانات بازار طیور گفت: محدودیت زمانی در تولید، فسادپذیر بودن محصولات و تعدد فعالان زنجیره، این بخش را به یکی از پیچیده‌ترین زنجیره‌های تولید کشور تبدیل کرده است. زمانی که تکانه‌های اقتصادی کلان رخ می‌دهد و الگوی تقاضا تغییر می‌کند، این تغییرات موجب بروز خطا در پیش‌بینی بازار می‌شود. این خطا نیز با ایجاد «اثر شلاقی» در زنجیره تامین، کل فرآیند تولید و عرضه را دچار اختلال و به‌هم‌ریختگی می‌کند.

معاون امور تولیدات دامی وزارت جهاد کشاورزی ادامه داد: در همه دنیا راهکار مدیریت این مسئله، ایجاد یکپارچگی و انسجام در زنجیره است؛ خواه در حوزه اطلاعات، خواه در حوزه بازار و یا تولید. در واقع تمامی راه‌حل‌های موجود به نوعی به یکپارچه‌سازی زنجیره بازمی‌گردد. ما نیز راهکاری جز حرکت به سمت یکپارچگی در صنعت طیور نداریم و به همین دلیل اصلاح ساختار این صنعت را به‌عنوان یک برنامه بلندمدت دنبال می‌کنیم.

وی اظهار کرد: در همین راستا از انجمن زنجیره‌ها درخواست کرده‌ایم که نقش یک سازمان یکپارچه‌کننده زنجیره را ایفا کند. امروز حدود ۳۴ درصد گوشت مرغ کشور توسط زنجیره‌ها تولید می‌شود و این ظرفیت باید به‌صورت یک واحد منسجم عمل کند. در شرایطی که با یک مجموعه یکپارچه مواجه باشیم، امکان تنظیم قیمت در سطح کشور، مدیریت تامین و برنامه‌ریزی تولید به شکل منسجم‌تری فراهم می‌شود و رقابت‌های داخلی میان زنجیره‌ها نیز منجر به پراکندگی قیمت و عرضه نخواهد شد. در حال حاضر ۸۳ واحد زنجیره‌ای در کشور فعالیت می‌کنند که باید به‌صورت یک مجموعه منسجم و یکپارچه دیده شوند.

وی با اشاره به سیاست‌های وزارت جهاد کشاورزی در حوزه تنظیم بازار گفت: در بخش مرغ گوشتی و تخم‌مرغ نیز همین رویکرد را دنبال می‌کنیم تا مسئولیت تنظیم بازار به خود صنعت واگذار شود و دولت کمترین میزان مداخله را در بخش طیور، اعم از مرغ گوشتی و تخم‌گذار، داشته باشد. در حوزه دام و به‌ویژه بخش گاو شیری نیز همین سیاست در دستور کار قرار دارد. هدف این است که تصمیم‌گیری درباره میزان توسعه، حجم تولید، زمان‌بندی تولید، سهم بازار داخلی و میزان صادرات بیش از گذشته به خود فعالان صنعت واگذار شود. رویکرد وزارت جهاد کشاورزی این است که تنظیم بازار و مدیریت تولید تا حد امکان به تشکل‌ها و فعالان بخش خصوصی سپرده شود و نقش دولت بیشتر به سیاست‌گذاری و نظارت محدود شود.

زحمتکش با تشریح رویکرد وزارت جهاد کشاورزی در مدیریت بخش تولیدات دامی گفت: دولت وظیفه سیاست‌گذاری کلان را برعهده دارد و در کنار آن باید نظارت عالیه‌ای اعمال کند تا فعالیت‌ها در چارچوب سیاست‌های دولت و با در نظر گرفتن حمایت از مصرف‌کنندگان پیش برود. در مقابل، حمایت از تولید، حفظ پایداری تولید و برنامه‌ریزی برای ارتقای بهره‌وری باید بیش از گذشته بر عهده خود فعالان صنعت باشد. تولیدکنندگان باید به‌گونه‌ای عمل کنند که ضمن جلوگیری از آسیب به تولید، زمینه افزایش بهره‌وری و تداوم فعالیت واحدهای تولیدی نیز فراهم شود.

معاون امور تولیدات دامی وزارت جهاد کشاورزی در پایان تصریح کرد: بخش‌هایی مانند طیور، تخم‌مرغ و دام شیری امروز به مرحله بلوغ رسیده‌اند و از جمله صنایع بالغ کشور محسوب می‌شوند؛ بنابراین توانایی مدیریت و برنامه‌ریزی بخش قابل توجهی از امور خود را دارند.

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
یکشنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۵/ سال هفتم / شماره ۲۳۰۵
Vol.3.No.2305 / Jun 14.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com

چرا در ایران زبان عروسک‌ها از انسان‌ها برنده‌تر است؟

جادوی اسفنج‌های سخنگو



بازگشت غافلگیرکننده «جناب‌خان» در خرداد ۱۴۰۵ به آنتن شبکه نسیم با مجموعه «قصه‌های هومن و جناب‌خان»، آن‌هم در میان دود و آتش تنش‌های اخیر، فراتر از یک بازگشت ساده، یک نشانه است؛ نشانه‌ای از قدرت جادویی موجوداتی اسفنجی که در تاریک‌ترین روزها به داد روانِ رنجور جامعه می‌رسند. تاریخ رسانه در ایران ثابتَ کرده که عروسک‌ها هرگز صرفاً ابزار سرگرمی کودکان نبوده‌اند، بلکه در نقش مفسران سیاسی، منتقدان طبقاتی و سوپاپ اطمینان فرهنگی، باری سنگین‌تر از بازیگران واقعی را به دوش کشیده‌اند. این گزارش در یک سفر تبارشناسانه، از «مخمل» و «پسرخاله» تا «بچه» و «جناب‌خان» را کالبدشکافی کرده است؛ روایتی از فرمول اسرارآمیز عروسک‌هایی که خطوط قرمز ممیزی را دور می‌زنند و به سخنگویان ناخودآگاه جمعی ما بدل می‌شوند.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از خبرانلاین بازگشت عروسک محبوب جناب‌خان در خرداد سال ۱۴۰۵ به آنتن شبکه نسیم با مجموعه جدید «قصه‌های هومن و جناب‌خان»، فراتر از یک رویداد ساده سرگرمی، بار دیگر دریچه تحلیل جامعه‌شناختی عروسک‌های اجتماعی در ایران را گشوده است. عروسک‌ها در پهنه رسانه‌ای ایران هرگز صرفاً ابزاری برای بازی کودکان نبوده‌اند؛ آن‌ها در قامت مفسران سیاسی، منتقدان طبقاتی و نمایندگان ناخودآگاه جمعی جامعه‌ای ظاهر شده‌اند که تریبون رسمی همواره به سختی صدای واقعی‌اش را بازتاب داده است.

این گزارش با رویکردی تبارشناسانه، تاریخچه عروسک‌های ماندگار سینما و تلویزیون ایران با رویکرد اجتماعی و بزرگسالانه را مرور کرده و به کالبدشکافی فرمول اسرارآمیزی می‌پردازد که این موجودات بی‌جان را به چهره‌های مرجع، محبوب و تاریخ‌ساز افکار عمومی مبدل ساخته است.

بازگشت جناب‌خان در اتمسفر جنگ و صلح؛ تولد «قصه‌های هومن» در شبکه نسیم

شبکه نسیم رسانه ملی در خرداد سال ۱۴۰۵، همزمان با عید سعید قربان، از برنامه‌ای جدید با عنوان «قصه‌های هومن و جناب‌خان» رونمایی کرد تا یکی از محبوب‌ترین کاراکترهای عروسکی تاریخ ایران بار دیگر مهمان خانه‌های مردم شود. بررسی روندهای تولید نشان می‌دهد که پیش از این قرار بود فصل جدید برنامه «هزار و یک» با اجرای محسن کیایی و حضور جناب‌خان روانه آنتن شود ؛ اما شرایط ویژه کشور، آغاز تنش‌های نظامی و آسیب دیدن بخش‌هایی از استودیوی ضبط برنامه توسط حملات دشمن، تولید آن پروژه بزرگ را با تعلیق مواجه ساخت.

در این میان، تیم سازنده با رویکردی اقتضایی و با هدف تلطیف فضای روانی جامعه، تصمیم گرفت برنامه‌ای قصه‌محور و صمیمی‌تر را با عنوان «قصه‌های هومن و جناب‌خان» به سرعت کلید بزند. هومن حاجی‌عبداللهی که با نقش «رحمت» در سریال پایتخت به محبوبیت بالایی رسیده بود، در کنار جناب‌خان قرار گرفت و در تیزر برنامه با تأکید بر ایستادگی تیم سازنده اعلام کرد که آن‌ها کم نیاورده‌اند و با قدرت برای خدمت به مخاطبان بازگشته‌اند.

این بازگشت، نشان‌دهنده پتانسیل بالای برنامه‌های عروسکی در بازسازی توازن روانی جامعه در دوره‌های بحران است. جناب‌خان که پیش از این نیز با حضور پررنگ خود در برنامه «خندوانه»، فراتر از یک عروسک ساده، به تریبون اصلی بیان دغدغه‌های معیشتی و اجتماعی مردم بدل شده بود ، اکنون در اتمسفر جدید شبکه نسیم در کنار برنامه‌هایی چون «کودک‌شو»، «بگو بخند» و «برمودا» مأموریتی تازه را برای تزریق امید به جامعه آغاز کرده است. این بازگشت بهانه‌ای است برای تحلیل این پرسش که چرا و چگونه عروسک‌ها در ایران، باری سنگین‌تر از بازیگران واقعی را در عرصه اجتماع به دوش می‌کشند.

گسل‌های تاریخی و دگردیسی از کل‌گرایی به فردگرایی؛ عروسک‌های اجتماعی دهه شصت و هفتاد

برای درک بهتر جایگاه عروسک‌های بزرگسال، باید دگردیسی ساختاری جامعه ایران را در آینه آثار عروسکی چهار دهه گذشته تحلیل کرد. این بررسی نشان‌دهنده یک شیفت پارادایمیک عمیق از تفکر اشتراکی و آرمان‌گرایانه دهه شصت به سمت تک‌افتادگی، تروما‌ی روان‌شناختی و واقع‌گرایی تلخ دهه‌های هشتاد و نود است.

در سال‌های ابتدایی دهه شصت، در اوج دوران جنگ تحمیلی و فشارهای اقتصادی، مجموعه‌هایی چون «مدرسه موش‌ها»، «شهر موش‌ها» و سپس «خونه مادربزرگه» روی آنتن رفتند. در این دوران، عروسک‌ها هرچند در فرم کودکانه طراحی شده بودند، اما پیام‌هایی عمیقاً بزرگسالانه و جمع‌گرایانه را منتقل می‌کردند. دنیای «مدرسه موش‌ها» جامعه‌ای کوچک و منسجم را بازنمایی می‌کرد که در آن تفاوت‌های فردی (مانند کپل لذت‌جو، نارنجی اشرافی و عینکی مصلحت‌پندار) تحت لوای یک هدف جمعی یعنی آموزش، بهداشت و مقابله با تهدید خارجی (گربه) تعریف می‌شد. هراس جمعی از گربه در این مجموعه، بازتاب‌دهنده ناخودآگاه جامعه‌ای بود که با تروما و خطرات واقعی جنگ دست‌وپنجه نرم می‌کرد.

در «خونه مادربزرگه» به کارگردانی مرضیه برومند نیز، عروسک «مخمل» به عنوان گربه‌ای نق‌نقو و حسود، بازتاب‌دهنده ترس از دست دادن موقعیت انحصاری و اضطراب ناشی از ورود مهاجران یا تازه‌واردان به قلمرو سنتی بود. مخمل نماینده جریانی محافظه‌کار بود که در نهایت با پذیرش پیوندهای جدید عاطفی، از لاک خودخواهی بیرون آمد و با کل جامعه کوچک خانه هم‌راستا شد. سازندگان این آثار ساعت‌ها جلسه و بحث را برای تحلیل جامعه‌شناختی و زیباشناختی شخصیت‌ها برگزار می‌کردند تا مطمئن شوند هر عروسک، نمادی دقیق از یک صنف یا طبقه اجتماعی را ارائه می‌دهد.

با ورود به دهه هفتاد و آغاز دوران سازندگی و اصلاحات اقتصادی، جامعه ایرانی به سمت شهرنشینی شتابان، مصرف‌گرایی و فردگرایی حرکت کرد. در این اتمسفر، زوج افسانه‌ای «کلاه قرمزی و پسرخاله» متولد شدند. کلاه قرمزی عروسکی شیطان، بازیگوش و فراری از چارچوب‌های خشک آموزشی بود که می‌خواست خود را از حاشیه شهر به متن رسانه تحمیل کند. او مابه ازای نسل جوانی بود که هنجارهای اتوکشیده رسمی را برنمی‌تافت و به دنبال راه‌های جایگزین برای موفقیت می‌گشت.

در نقطه مقابل، «پسرخاله» جدی‌ترین و تعهدگراترین کاراکتر عروسکی تاریخ ایران بود که به عنوان نماد مطلق طبقه کارگر و اخلاق پهلوانی سنتی شناخته می‌شد. پسرخاله نانوا و بنا بود، دستانش بوی کار می‌داد و تمام دغدغه‌اش کمک به پیرزن همسایه، خرید نفت برای نیازمندان و پر کردن تنهایی فقرا بود. در شرایطی که جامعه به سمت فردگرایی مدرن گام برمی‌داشت، پسرخاله تبلور اخلاق عیاری رو به زوال بود؛ کاراکتری که با جملات کوتاه، عمیق و قانع خود، مانیفستِ قناعت و معرفت را در گوش بزرگسالان طنین‌اندازَ می‌کرد.

نباید از یاد برد که در همین دوران، عروسک‌های اجتماعی دیگری نظیر «سنجد» و «چاق و لاغر» نیز ظهور کردند که هر یک به شکلی دغدغه‌های بزرگسالان را به دوش می‌کشیدند. سنجد با دهان گشاد و زبانی سرخ، نخستین عروسک خبرنگاری بود که بی واسطه وارد دنیای واقعی بزرگسالان می‌شد و با سوالات صریح و گزنده‌اش از مسئولان شهری و کشوری، کارکرد رسانه‌ای عروسک را به سطح یک کنشگر فعال اجتماعی ارتقا داد. در سوی دیگر، زوج خنگ و کله‌پوک «چاق و لاغر» در قالبی فانتزی و کمیک، بوروکراسی ناکارآمد و فرآیندهای امنیتی و اداری دوره خود را به نقد می‌کشیدند و خاطره‌ای ماندگار را برای بزرگسالان آن دهه بر جای گذاشتند.

امیر اتوری طنز اجتماعی ایرج طهماسب؛ تبارشناسی تیپ‌های روانی طبقه متوسط

با آغاز دهه‌های هشتاد و نود، پروژه فکری ایرج طهماسب و نخبگان هنری همراهش نظیر حمید جبلی و مرضیه محبوب، به سمت کالبدشکافی دقیق‌تر روان جامعه مدرن ایران حرکت کرد. عروسک‌های این دوران، دیگر نمادهای ساده اخلاقی نبودند؛ بلکه هر یک به تیپ‌های پیچیده، روان‌پریش و به شدت واقعی جامعه تبدیل شدند که مابه‌ازای بیرونی آشکاری در خیابان‌ها داشتند.

عروسک فامیل دور، مردی میانسال، ترسو و در عین حال به شدت مقتدرنماست که تمام جهان‌بینی‌اش در مفهوم مرزها و قفل کردن «در» خلاصه می‌شود. او که خود را مدیر ساختمان نامیده، نمادی از لایه سنتی و بوروکراتیک جامعه ایران است که به وسواس کنترلگری، محافظه افراطی از دارایی‌ها و مداخله در امور دیگران مبتلاست. او هر ماشینی را که جلوی پارکینگ پارک کند پنچر می‌کند و با قفل کردن مدام درها احساس امنیت کاذب می‌یابد. دغدغه فامیل دور با موضوع «در»، استعاره‌ای روان‌شناختی از ترس طبقه متوسط از نفوذ بیگانگان به حریم شخصی، انسداد ارتباطی و اصرار بر حفظ وضعیت موجود است. رفتارهای متناقض او، میان مهربانی پدری و خشونت ناگهانی، بازتاب‌دهنده تعارضات رفتاری شهروندانی است که زیر فشارهای اجتماعی تعادل روانی خود را از دست داده‌اند.

در این میان، آقوی هم‌ساده با لهجه شیرین شیرازی‌اش، شاید یکی از دردناک‌ترین و در عین حال خنده‌دارترین کاراکترهای تاریخ رسانه ملی باشد. او نماد عینی مکانیسم دفاعی «شکل‌گیری واکنش وارونه» در روان‌کاوی است. آقوی هم‌ساده هولناک‌ترین، ویرانگرترین و فاجعه‌آمیزترین رویدادهای زندگی‌اش را تعریف می‌کند و همزمان غش‌غش می‌خندد. او بازتاب‌دهنده جامعه‌ای است که حجم مصیبت‌ها و بدبیاری‌های تاریخی‌اش به قدری سنگین بوده که دیگر گریه پاسخگوی آن نیست و تنها راه بقا، تبدیل تراژدی به کمدی سیاه است. خنده‌های عصبی و بی‌پایان او بر آوار بدبختی‌ها، آینه‌ای در برابر مخاطب ایرانی است که آموخته است در مواجهه با تورم، بحران‌های اجتماعی و ناامیدی‌ها، با ساختن جوک و خنده‌های تلخ، روان خود را از فروپاشی کامل نجات دهد.

شخصیت «جیگر» نیز که الاغی ساده‌دل، خوش‌قلب و لجوج است، نماینده کسانی در جامعه است که برای اثبات هویت و کرامت خود می‌جنگند و از اینکه مدام قضاوت شوند و برچسب نادانی به آن‌ها زده شود، رنج می‌برند. تأکید مکرر او بر اینکه خر نیست و اسب است، نمادی از تلاش‌های طبقات فرودست برای به رسمیت شناخته شدن است. در کنار او، عروسک «ببعی» با تسلط شگفت‌انگیزش به زبان انگلیسی و رفتارهای به ظاهر بافرهنگ و اشرافی‌اش، کنایه‌ای ظریف به طبقه متوسط فرنگ‌رفته و مرفه جامعه است که در دنیایی فانتزی و به دور از واقعیت‌های تلخ جامعه زندگی می‌کنند و حتی رژیم‌های غذایی سخت یا فستینگ را به عنوان نوعی پرستیژ اجتماعی به نمایش می‌گذارند.

عصیان بر ضد ممیزی؛ ورود «مهمونی» به ساحت ناخودآگاه جمعی

با انتقال ایرج طهماسب به شبکه نمایش خانگی و ساخت برنامه «مهمونی» به دلیل عدم امکان استفاده از عروسک‌های تحت مالکیت صداوسیما ، ممیزی‌های سنتی تا حدی تلطیف شد و این موضوع امکان ظهور کاراکترهایی جسورتر را فراهم آورد. شخصیت «پشه» با صداپیشگی کاظم سیاحی به سرعت به یک پدیده تبدیل شد. ویژگی دراماتیک پشه در این است که پس از نیش زدن هر فرد، موقتاً خصلت‌ها و رفتارهای مفعول را به خود می‌گیرد که این امر، تحلیل عمیقی از تأثیرپذیری ناخودآگاه انسان‌ها از محیط پیرامون را نشان می‌دهد. غیبت ناگهانی او در مقاطعی، موجی از نگرانی‌های اجتماعی درباره سانسور را در جامعه کلید زد که نشان‌دهنده پیوند عمیق مخاطب با این نماد عصیانگر بود.

شخصیت «بچه» با صداپیشگی هوتن شکیبا نیز یک پدیده بی‌نظیر در تاریخ نمایش‌های عروسکی ایران است. او برخلاف کلاه‌قرمزی که کودکی فانتزی و مودب بود ، یک کودک کار بددهن، خشن، مادی‌گرا و در عین حال به شدت بی‌پناه، مهربان و نیازمند محبت است. بچه نماد زنده و تلخی از واقعیت‌های کف خیابان‌های کلان‌شهرهاست؛ جایی که فقر و کار اجباری، معصومیت کودکی را پیش‌رس نابود می‌کند. او از ته‌دیگ ماکارونی لذت می‌برد، تکه‌کلام‌های تند دارد («تو رو سننه»، «از مادر نزاییده») ، اما به محض دیدن اندکی صمیمیت، با لحنی التماس‌آمیز محبت طلب می‌کند. طهماسب با خلق بچه، بحران طبقاتی و آسیب‌های اجتماعی کودکان کار را بدون سانسورهای مرسوم به درون خانه‌های طبقه متوسط آورد و وجدان بیدار جامعه را به چالش کشید.

در سوی دیگر، کاراکترهایی چون «کته» ظهور کردند که هرچند در پاره‌ای از تحلیل‌ها به دلیل تک‌بعدی بودن و تمرکز مفرط بر موضوع همسریابی مورد نقد قرار گرفتند ، اما به خوبی بازنمایی‌کننده کلیشه‌های سنتی و فشارهای اجتماعی روی زنان مجرد در طبقات سنتی بودند. این عروسک‌ها در کنار هم، منظومه‌ای از تعارضات روانی و طبقاتی جامعه معاصر ایران را پیش روی مخاطب بزرگسال قرار دادند.

جناب‌خان؛ از مرزهای محلی تا تریبون اعتراض سیاسی

جناب‌خان، این لبوفروش ساده‌دل، عاشق‌پیشه و متعصب آبادانی، مسیر دور و درازی را از برنامه شبکه نمایش خانگی «کوچه مروارید» تا تبدیل شدن به پرچمدار نقد اجتماعی در رسانه ملی پیمود. او را شاید بتوان نخستین عروسک تمام‌عیار بزرگسالان در رسانه ایران دانست که هویت و دغدغه‌هایش مستقیماً با جهان فرادستان و فرودستان واقعی جامعه گره خورده است. شخصیت او نه از منظر سنی، بلکه از زاویه دغدغه‌ها، زبان و نوع مواجهه با مسائل اجتماعی، ارتباطی تنگاتنگ با مخاطب بزرگسال برقرار می‌کند.

عشق نافرجام او به «احلام» و خواستگاری‌های بی‌پایانی که با مخالفت‌های طبقاتی و اقتصادی پدر احلام روبه‌رو می‌شود ، استعاره‌ای عمیق از تلاش‌های ناکام نسل جوان برای دستیابی به ثبات و تشکیل خانواده در بستر دشواری‌های معیشتی است. اما فراتر از این رمانتیسیسم بومی، قدرت جناب‌خان در جسارت کلامی و بداهه‌گویی‌های بی‌نظیر محمد بحرانی نهفته است. او در اوج بحران‌های اقتصادی، مستقیم در چشم مسئولان ارشد کشوری و امنیتی زل می‌زند و با زبان تند و تیز لبوفروشانه خویش، وضعیت سخت معیشتی مردم را نقد می‌کند. شوخی‌های او با نرخ یورو، بوروکراسی اداری، نمایندگان خواب‌آلود مجلس و تصمیمات کلان اقتصادی ، کارکردی به مراتب قوی‌تر از برنامه‌های تحلیلی و سیاسی ایفا کرده است. به این ترتیب، جناب‌خان با ترکیب موسیقی پرانرژی بندری، طنز گزنده و درک عمیق از روان‌شناسی توده، توانست مفهومی به نام «عروسک خرد و خنده» را در رسانه ایران تثبیت کند.

رمزگشایی از فرمول جاودانگی؛ چرا مردم ایران شیفته عروسک‌ها می‌شوند؟

حال این پرسش اساسی مطرح می‌شود که چه ویژگی‌های مشترکی میان این عروسک‌های به شدت معروف و بزرگسالانه وجود دارد که آن‌ها را به چنین جایگاه اسطوره‌ای در میان مخاطبان رسانده است؟ بررسی‌های فرهنگی و جامعه‌شناختی نشان می‌دهد که موفقیت این ستاره‌های اسفنجی اتفاقی نبوده و ریشه در ساختارهای عمیق روانی و اجتماعی جامعه ایران دارد.

نخستین عامل کلیدی، «مصونیت دیپلماتیک اسفنج‌ها» است. در ساختار رسانه‌ای ایران که همواره با ممیزی‌های متعدد و سانسورهای سلیقه‌ای روبه‌رو بوده، انسان‌های واقعی فضای بسیار محدودی برای نقد صریح دارند. اما عروسک‌ها به دلیل ماهیت غیرانسانی خود، مجازند از خطوط قرمز سیاسی، جنسی و اجتماعی عبور کنند. مخاطب بزرگسال ایرانی این حقیقت را به خوبی درک می‌کند و عروسک را به عنوان یک مجرای فرار و صدای اعتراض یا تمایلات فروخورده خود می‌پذیرد.

عامل دوم، بازنمایی دقیق «عقده‌ها و نواقص جمعی» به جای ارائه الگوهای بی‌نقص اخلاقی است. برخلاف برنامه‌های رسمی که بر شخصیت‌های کامل و دست‌نیافتنی تمرکز دارند، عروسک‌های محبوب همگی خاکستری، خطاکار و دارای نقص‌های روان‌شناختی واضح هستند. فامیل دور شکاک است ، بچه پرخاشگر است ، پشه غریزی عمل می‌کند و جناب‌خان متعصب است. این ویژگی‌ها به مخاطب اجازه می‌دهد تا بدون احساس گناه، با ضعف‌ها و تروماهای درونی خود مواجه شود و از طریق همذات‌پنداری با این موجودات، به تخلیه روانی دست یابد.

عامل سوم را باید در مفهوم روان‌شناختی «ابژه گذار» جست‌وجو کرد. در جوامعی که با تنش‌ها و تغییرات سریع فرهنگی مواجه هستند، عروسک‌ها به عنوان اشیائی امن عمل می‌کنند که به افراد در کنترل و تنظیم هیجاناتشان کمک می‌کنند. همان‌طور که در تحلیل‌های جامعه‌شناختی ترندهای جهانی نظیر تب خرید عروسک‌های «لبوبو» در سال‌های ۲۰۲۵ و ۲۰۲۶ در میان بزرگسالان خاورمیانه مشاهده شده است، ابژه‌های عروسکی بستری امن برای ابراز فردیت، مدیریت اضطراب و کسب آرامش روانی فراهم می‌سازند. این سازوکار در ایران نیز با وفاداری عمیق بزرگسالان به شخصیت‌هایی چون کلاه قرمزی یا جناب‌خان به وضوح کارکرد خود را نشان داده است.

عامل چهارم و نهایی، مهندسی دقیق هنری و تلاقی تخصص‌گرایی نخبگان با هنر بومی است. خلق این عروسک‌ها محصول کار گروهی منسجم از طراحان، نویسندگان، کارگردانان و صداپیشگانی است که مجهز به بینش عمیق جامعه‌شناختی و روان‌شناختی هستند. تکیه کلام‌ها و لحن‌های طراحی‌شده توسط هنرمندانی چون حمید جبلی، محمد بحرانی و هوتن شکیبا، به دلیل انطباق با لایه‌های زبانی توده مردم، به سرعت در فرهنگ عامه نفوذ کرده و به بخشی از مکالمات روزمره جامعه تبدیل می‌شوند.

اسفنج‌هایی که واقعیت را نجات می‌دهند

تبارشناسی عروسک‌های بزرگسال و اجتماعی در ایران نشان می‌دهد که این موجودات اسفنجی، نه ابزاری برای فرار از واقعیت، بلکه آینه‌هایی وفادار برای انعکاس حقایق ملموس جامعه هستند. بازگشت جناب‌خان در خرداد ۱۴۰۵ با برنامه جدید «قصه‌های هومن و جناب‌خان»، در شرایطی که جامعه از پس تنش‌ها و اضطراب‌های متعدد عبور می‌کند، بار دیگر اهمیت حیاتی این تریبون‌های فانتزی را به اثبات رسانده است.

عروسک‌های بزرگسال با عبور از سدهای سانسور، بازنمایی تروماهای جمعی و نقد صریح مناسبات قدرت، نشان داده‌اند که برای بیان حقیقت، گاه زبان اسفنج‌ها بسیار برنده‌تر و صادقانه‌تر از زبان انسان‌هاست.

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
یکشنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۵ / سال هفتم / شماره ۲۳۰۵
Vol.3.No.2305 / Jun 14.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com

خبر

کاهش پنج درصدی مصرف آب در مشهد با وجود افزایش دما



مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب مشهد گفت: شهروندان مشهدی با رعایت مصرف بهینه و مدیریت مصارف خود در فروردین و اردیبهشت ماه امسال حدود پنج درصد و معادل چهار میلیون متر مکعب آب کمتر از مدت مشابه پارسال مصرف کرده‌اند حال آنکه دمای هوا در سال آبی جاری در مشهد حدود ۲ درجه نسبت به سال قبل افزایش دارد.

حسین اسماعیلیان روز شنبه در گفت و گو با خبرنگار ایرنا افزود: میزان مصرف آب مشهد در ماه حدود ۳۰ میلیون متر مکعب است.

وی اضافه کرد: سال ۱۴۰۴ نیز در مجموع ۲۴۱ میلیون متر مکعب آب در این کلانشهر مصرف شد و با وجود افزایش تعداد مشترکان این میزان نسبت به سال قبل از آن هشت درصد کاهش داشت.

مدیرعامل شرکت آبفای مشهد ادامه داد: تابستان پارسال نیز در زمان اوج مصرف میزان آب مصرفی حدود ۱۴ درصد نسبت به مدت مشابه قبل از آن کاهش داشت که چنانکه حجم پیش بینی شده در زمان اوج مصرف و تابستان سال ۱۴۰۴ حدود ۱۴ هزار و ۳۰۰ لیتر بر ثانیه بود که با مشارکت مردم این رقم کمتر و به میزان ۱۱ هزار و ۳۳۵ لیتر بر ثانیه آب مصرف شد.

اسماعیلیان تاکید کرد: شهروندان مشهدی در مدیریت مصرف مشارکت خوبی دارند و اگر این روند ادامه یابد تابستان امسال را نیز بدون مشکل قطعی پشت سر خواهیم گذاشت.

هم اینک تنها پنج درصد از حجم ذخیره سدهای مشهد شامل؛ دوستی، ارداک، طرق و کارده آب دارد که بسیار کم است و از شهروندان انتظار است مصارف غیرضروری را کاهش دهند و مانند گذشته همراهی لازم در مدیریت مصرف داشته باشند.

به گزارش ایرنا، در سال ۹۹ حدود ۴۲ درصد آب مشهد از چاه ها و منابع زیرزمینی و ۵۸ درصد از طریق منابع سطحی تامین می شد اما سال ۱۴۰۳ فقط ۲۵ درصد از نیاز آبی مشهد از طریق منابع سطحی و بقیه از طریق ذخایر زیرزمینی تامین شده است.

آب مورد نیاز مشهد از ۵۰۰ حلقه چاه، ۲ رشته قنات، یک رشته چشمه و سدهای دوستی، کارده، ارداک و طُرق تامین می شود و با توجه به اینکه حجم ذخیره آب در سدهای مشهد به کمتر از هشت درصد رسیده است، تلاش می شود از ذخیره آنها حداقل استفاده شود تا در شرایط بحرانی از این منبع برداشت شود.

۹۸ درصد پهنه شهرستان مشهد در وضعیت «خشکسالی شدید» و ۶۰ درصد از این مساحت در شرایط «خشکسالی بسیار شدید» است.

در چهار سال گذشته خراسان رضوی با خشکسالی‌های متوالی و بی‌سابقه روبرو بوده و بارش‌ها کمتر از حد طبیعی و دمای هوا نیز افزایشی بوده است.

شرایط ویژه اشتراک انبوه
روزنامه صبح امروز
برای پیک موتوری‌ها،باربری‌ها و شرکت‌های خدماتی
با ما تماس بگیرید:
۰۹۳۶۰۵۶۶۶۳۶
۰۹۱۵۲۵۶۰۰۹۱

نماینده مجلس مطرح کرد:

مسیر نادرست خروج از فهرست آثار ملی تهدید آثار تاریخی

براب ملی می‌شود و دوباره با رأی یک نهاد از این فهرست خارج می‌شود، مسیر نادرستی ایجاد می‌شود که می‌تواند تهدیدی برای سایر آثار تاریخی باشد.

نماینده مردم مشهد و کلات در مجلس شورای اسلامی با انتقاد از خارج شدن کلیسای انجیلی مشهد از فهرست آثار ملی، گفت: وقتی اثری ثبت ملی می‌شود و دوباره با رأی یک نهاد از این فهرست خارج می‌شود، مسیر نادرستی ایجاد می‌شود که می‌تواند تهدیدی برای سایر آثار تاریخی باشد.

به گزارش خبرنگار صبح امروز، احسان عظیمی‌راد در نشست خبری گزارش عملکرد سومین سال فعالیت در مجلس با اشاره به موضوع تخریب کلیسای انجیلی مشهد اظهار داشت: در سال‌های اخیر به دلیل شرایط اقتصادی، تورم و افزایش قیمت املاک، برخی مجموعه‌ها به سمت فروش املاک خود حرکت کرده‌اند که این موضوع مربوط به امروز و پس از جنگ نیست و در سال‌های گذشته نیز وجود داشته است.

وی افزود: این کلیسا که در مالکیت یکی از نهادها قرار داشت، پس از ثبت در فهرست آثار ملی با یک اقدام حقوقی برای خارج شدن از ثبت ملی مواجه شد و متأسفانه دیوان عدالت اداری نیز به این موضوع ورود کرد و رأی به خروج این اثر از فهرست آثار ملی داد.

عظیمی‌راد تصریح کرد: زمانی که یک بنا به عنوان اثر ملی ثبت می‌شود، خارج کردن آن از این فهرست و بازگرداندن شرایط به وضعیت قبل، اقدامی نادرست و خسارت‌بار است؛ چراکه می‌تواند مسیر خطرناکی برای سایر آثار تاریخی ایجاد کند.



نماینده مردم مشهد و کلات ادامه داد: پس از خارج شدن این بنا از فهرست آثار ملی، زمین آن واگذار شد و مالک جدید به سمت تخریب رفت؛ در حالی که این سؤال مطرح است که آیا مالک نباید برای چنین اقدام مهمی با شهرداری و مجموعه‌های مرتبط هماهنگی انجام می‌داد و آیا تخریب یک بنای تاریخی در یک منطقه خاص شهری باید در ساعات ابتدایی صبح و بدون اطلاع‌رسانی انجام شود؟

وی درباره پیگیری موضوع از سوی اداره‌کل میراث فرهنگی خراسان رضوی نیز گفت: مدیرکل میراث فرهنگی استان اعلام کرده است که این اداره‌کل در دو مرحله پیش از تخریب شکایت کرده، در یک مرحله موفق شده و در مرحله بعد محکوم شده است و براساس رأی نهایی، واگذاری این مکان به مجموعه مربوطه انجام شده است.

عظیمی‌راد خاطرنشان کرد: ای کاش این موضوع زودتر به نمایندگان مجلس و اصحاب رسانه منتقل می‌شد تا از مسیرهای دیگر برای جلوگیری از این اتفاق اقدام می‌شد؛ زیرا اگر امروز در برابر چنین مواردی ایستادگی نشود، ممکن است در آینده افراد دیگری نیز به دنبال خروج آثار تاریخی دیگر از ثبت ملی باشند.

وی بیان کرد: پیگیر هستم تا وزیر میراث فرهنگی به مجلس بیاید و درباره این موضوع پاسخگو باشد.

نماینده مردم مشهد و کلات در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به جایگاه مشهد پس از بحران‌ها و جنگ‌های اخیر گفت: مشهد امروز به عنوان یکی از شهرهای امن کشور شناخته می‌شود و نگاه مسئولان استانی و ملی به این شهر، توسعه زیرساخت‌ها و استقرار ظرفیت‌های کلیدی در این منطقه است.

وی افزود: توجه به موضوع زیارت، اشتغال، تولید و کارآفرینی در مشهد اهمیت زیادی دارد و این شهر باید علاوه بر میزبانی زائران، برای شهروندان خود نیز در حوزه اقتصادی فرصت‌های بیشتری ایجاد کند.

عظیمی‌راد ادامه داد: بسیاری از افراد به دلیل امنیت و ظرفیت‌های موجود به مشهد جذب می‌شوند و باید این فرصت برای توسعه اقتصادی و گردشگری شهر مورد استفاده قرار گیرد.

وی با اشاره به موضوع بودجه زیارت گفت: در حوزه زیارت تلاش‌های زیادی انجام شده است و مسئولان استان، دولت و نمایندگان باید نقش پررنگ‌تری ایفا کنند؛ چراکه مشهد یک شهر ملی است اما این نگاه هنوز به شکل کامل در اعتبارات و تصمیمات اجرایی دیده نمی‌شود.

نماینده مردم مشهد و کلات اظهار کرد: با وجود اینکه اعتبارات مشهد در بودجه ۱۴۰۵ نسبت به سال ۱۴۰۴ رشد قابل توجهی داشته است، اما هنوز نمی‌توان گفت این میزان اعتبار و پروژه‌ها در سطحی قرار گرفته‌اند که بتوان از آن‌ها به عنوان یک اقدام ملی یاد کرد.

وی در پایان گفت: تلاش کرده‌ایم مجمع نمایندگان و مسئولان استانی نقش اصلی خود را بهتر ایفا کنند تا حق استان خراسان رضوی در حوزه‌های مختلف از جمله گردشگری، زیارت و زیرساخت‌ها دریافت شود.

رونق اقتصادی بجستان نیازمند توسعه گردشگری تجربه محور است

رییس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی بجستان گفت: توسعه و رونق اقتصادی این شهرستان نیازمند توسعه گردشگری تجربه محور است.

مهدی ذوالفقاری روز گذشته در گفت و گو با ایرنا افزود: بسیاری از ساکنان روستاها و مناطق محلی تصور می‌کنند درآمدزایی از گردشگری تنها نیازمند هتل، اقامتگاه بزرگ یا جاذبه خاص است اما واقعیت آن است که امروز گردشگر بیش از آنکه دنبال دیدن باشد، درصدد تجربه کردن است.

رییس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی بجستان تصریح کرد: گردشگری تجربه محور یعنی در عین توجه به اسکان و فروش محصولات، بیشتر یک تجربه واقعی، بومی و به‌یادماندنی به مخاطب ارائه شود.

وی با اشاره به قابلیت‌های مناطق شهری و روستایی بجستان برای توسعه گردشگری تجربه محور افزود: در این راستا پخت نان محلی، دوشیدن شیر یا غذادادن به دام، برداشت محصول در فصل مناسب، آموزش صنایع‌دستی محلی و پخت غذاهای سنتی با مشارکت گردشگر، بازدید روستا همراه با روایت داستان‌ها و فرهنگ محلی مورد توجه قرار می گیرد.



وی با اشاره به اینکه گردشگری تجربه محور رویکرد فعالیت‌های اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی بجستان در سالجاری قرار دارد، گفت: در این روش، منبع درآمد فقط اقامت گردشگران نیست بلکه سبک زندگی بومی به یک محصول اقتصادی تبدیل می‌شود.

وی مهمترین مزایای گردشگری تجربه محور را درآمدزایی با سرمایه کمتر، مشارکت خانواده‌ها و اهالی روستا، ایجاد تمایز نسبت به سایر مناطق، حفظ فرهنگ، غذا، پوشش و مهارت‌های محلی و قابلیت تبلیغ بالا در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی برشمرد.

وی ادامه داد: هر چیزی که برای مردم محلی عادی است، ممکن است برای یک گردشگر جذاب و خاص باشد.

ذوالفقاری اظهار کرد: در این راستا تجربه باید مشخص، زمان‌بندی‌شده و روشن باشد و بسته نیم‌روزه تجربه روستا، استقبال و چای آتشی، بازدید از مزرعه، پخت نان محلی، ناهار بومی و عکاسی با لباس محلی مورد توجه قرار گیرد.

وی اضافه کرد: گردشگری تجربه‌محور بدون روایت، ناقص است برای عرضه این تجربه باید عکس و فیلم واقعی از جاذبه‌ها و ظرفیت‌های گردشگری تهیه شود.

از مجموع ۱۵۰ اثر تاریخی و گردشگری بجستان افزون بر ۴۰ اثر در فهرست آثار ملی و میراث معنوی کشور به ثبت رسیده است که از جمله آثار تاریخی شاخص آن می توان به پل یونسی، رباط های زین آباد و فخر آباد و مسجدهای جامع، مرندیز و کاروانسراهای مزار آهنگ و خارفیروزی و باغ منزل‌های رحیمی اشاره کرد.

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
یکشنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۵/ سال هفتم / شماره ۲۳۰۵
Vol.3.No.2305 / Jun 14.2026
www.sobhe-emrooz.ir
sobhe.emrooz.news@gmail.com

ایران از معماران نظم جدید منطقه در سایه مذاکره شمشیرها

حسین امامی‌راد
نماینده مردم شریف چناران، طرقبه‌شاندیز و گلبهار در مجلس شورای اسلامی



امریکا و رژیم صهیونیستی، جنگ تحمیلی اخیر را با هدف تغییر حکومت، تجزیه کشور و تصاحب منابع نفتی ایران، آغاز کردند و با ترکیب فشار نظامی، تحریم اقتصادی، عملیات روانی و بی‌ثبات‌سازی داخلی تصور کردند می‌توانند اراده ملت ایران را در هم بشکنند؛ اما ایستادگی مردم رشید و آگاه ایران، رشادت‌های غیورمردان نیروهای مسلح و تدابیر مؤثر رهبر معظم انقلاب و تمامی ارکان نظام، ورق را برگرداند و نه تنها متجاوزین به اهداف خود نرسیدند، بلکه بسیاری از معادلات منطقه‌ای نیز دستخوش تغییر شد.

آنچه دشمنان ملت ایران در محاسبات خود نادیده گرفتند، روحیه شهادت‌طلبی رهبری انقلاب و فرماندهان عالی نظامی، انسجام اجتماعی، قدرت بازدارندگی نیروهای مسلح و ظرفیت‌های راهبردی جمهوری اسلامی ایران بود.

پروژه‌ای که قرار بود موازنه قدرت را علیه ایران تغییر دهد، خود به عاملی برای بازتعریف موازنه قدرت در منطقه تبدیل شد. امروز آنچه در غرب آسیا جریان دارد، بیش از آنکه صرفاً مجموعه‌ای از درگیری‌های نظامی یا رفت‌وآمدهای دیپلماتیک باشد، نشانه ورود منطقه به مرحله‌ای جدید از بازتعریف موازنه قدرت و نظم امنیتی است.

در این میان، رخدادهای مرتبط با لبنان، مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا، نقش‌آفرینی بازیگران منطقه‌ای و تحولات پیرامون تنگه هرمز و باب‌المندب، همگی قطعات یک پازل بزرگ‌تر را تشکیل می‌دهند؛ پازلی که موضوع اصلی آن نه صرفا جنگ یا صلح، بلکه تعیین قواعد امنیتی و سیاسی آینده منطقه است.

از طرفی، شواهد متعدد نشان می‌دهد که واشنگتن بیش از هر چیز به دنبال جلوگیری از گسترش جنگ به یک درگیری تمام‌عیار منطقه‌ای بوده است؛ جنگی که می‌تواند امنیت انرژی، اقتصاد جهانی و منافع آمریکا در منطقه را با چالش‌های جدی مواجه سازد. همزمان، فشار افکار عمومی، هزینه‌های اقتصادی جنگ و ملاحظات سیاسی داخلی نیز، آمریکا را به سمت کنترل بحران و کاهش تنش ناگزیر ساخته است.

در چنین فضایی، آتش‌بس شکننده شکل گرفته را نمی‌توان به معنای پایان جنگ و برقراری صلح پایدار تلقی کرد. تجربه هفته‌ها و روزهای گذشته نشان داده است که ایالات متحده و رژیم صهیونیستی از یک سو از مذاکرات و کاهش تنش سخن می‌گویند و از سوی دیگر، با نقض توافقات، تشدید فشارها و تداوم اقدامات خصمانه، تلاش می‌کنند معادلات میدانی را به سود خود تغییر دهند.

حملات مکرر به لبنان توسط اسرائیل و با چراغ سبز آمریکا، تعرض به خاک ایران، استمرار محاصره اقتصادی و فشارهای سیاسی در نهادهای بین‌المللی، همگی نشان می‌دهد که طرف مقابل همچنان به دنبال تضعیف محور مقاومت و ضربه زدن به آن و کسب امتیاز از طریق فشار، برای پیشبرد راهبرد «مذاکره زیر آتش» است. اگرچه که چنین رفتاری نه با اصول جمهوری اسلامی و نه با منطق دیپلماسی سازگاری ندارد و مؤثر نخواهد بود.

در این میان، لبنان در نگاه راهبردی ایران، بخشی از معماری بازدارندگی منطقه‌ای و یکی از ارکان ثبات در برابر سیاست‌های توسعه‌طلبانه رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود و حمایت از آن به عنوان یک متحد راهبردی که در جنگ رمضان نیز به کمک ایران آمد، خط قرمزی است که از آن عدول نخواهد کرد. به همین دلیل جمهوری اسلامی از ابتدا تأکید داشت که هرگونه آتش‌بس یا توافق، باید همه جبهه‌ها به‌ویژه لبنان را دربرگیرد. ایران توقف جنگ در لبنان را یکی از شروط اساسی هر تفاهم احتمالی با آمریکا می‌داند.

با این حال، پرسش اصلی این است که چرا ایران در مقطع اخیر تصمیم گرفت به‌صورت فعال‌تر وارد میدان شود؟

پاسخ را باید در تلاش آمریکا و اسرائیل برای پیشبرد الگویی جست‌وجو کرد که در آن فشارهای نظامی، امنیتی و اقتصادی به‌صورت مستمر اعمال می‌شود، اما هیچ‌گاه رسماً در قالب یک جنگ فراگیر تعریف نمی‌شود. الگویی که در آن طرف مقابل باید همزمان تحریم شود، تهدید شود، هدف حمله قرار گیرد و در عین حال پای میز مذاکره نیز باقی بماند. اما تجربه ماه‌های اخیر نشان داده است که این محاسبه درباره ایران کاملاً غلط است و جمهوری اسلامی هیچ‌گاه نه جنگ تحمیلی را می‌پذیرد و نه مذاکره تحمیلی را.

بدیهی است پذیرش چنین وضعیتی به معنای تغییر تدریجی موازنه قدرت به زیان ملت ایران و جبهه مقاومت بود. از همین رو، جمهوری اسلامی ایران در چارچوب حق ذاتی دفاع مشروع خود، وفق ماده ۵۱ منشور ملل متحد، تصمیم گرفت مانع تثبیت این معادله شود. پاسخ ایران صرفاً یک اقدام نظامی نبود؛ بلکه پیامی راهبردی داشت. این پیام روشن بود که لبنان خارج از معادلات امنیتی منطقه نیست، ضاحیه خارج از میدان نیست و دشمن نمی‌تواند تصور کند که با اقدامات محدود اما مستمر، قواعد جدیدی را بر منطقه تحمیل خواهد کرد؛ به همین دلیل، اهمیت تحولات اخیر بیش از آنکه ماهیت نظامی داشته باشد، حاوی یک پیام راهبردی است؛ مفهوم «وحدت ساحات» دیگر یک شعار سیاسی نیست، بلکه به یک واقعیت عملیاتی تبدیل شده است.

طی سال‌های گذشته برخی تصور می‌کردند می‌توان میان جبهه مقاومت تفکیک ایجاد کرد؛ لبنان را از ایران جدا دانست، یمن را از لبنان منفک کرد، باب‌المندب را بی‌ارتباط با هرمز تلقی نمود و مقاومت منطقه را مجموعه‌ای از بازیگران پراکنده معرفی کرد. اما واقعیت‌های میدانی خلاف این تصور را ثابت کرد. امروز از تنگه هرمز تا باب‌المندب، از خلیج فارس تا دریای سرخ، نظم جدیدی در حال شکل‌گیری است. این نظم بر پایه این اصل استوار است که امنیت منطقه تجزیه‌پذیر نیست و هرگونه ماجراجویی علیه یکی از اجزای این منظومه، می‌تواند پیامدهایی فراتر از همان جغرافیا به دنبال داشته باشد.

در همین چارچوب، از هرمز تا باب‌المندب، شبکه‌ای از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی شکل گرفته که می‌تواند بر تجارت جهانی، امنیت انرژی و محاسبات قدرت‌های بزرگ تأثیرگذار باشد. این واقعیت، بخشی از ظرفیت راهبردی ایران در معادلات جدید منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد. در این میان، همزمان با فشارهای میدانی، کارزار سیاسی علیه ایران نیز ادامه یافته است. تصویب قطعنامه اخیر در شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و همزمانی آن با تشدید فشارهای نظامی و نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی نیز بخشی از همین معادله گسترده‌تری است که در ابتدا به آن اشاره شد و دیگر شکی نیست برخی نهادهای بین‌المللی از مسیر حرفه‌ای خود فاصله گرفته و به بخشی از سازوکار فشار سیاسی علیه جمهوری اسلامی ایران تبدیل شده‌اند. هنگامی که تأسیسات هسته‌ای صلح‌آمیز یک کشور هدف حمله قرار می‌گیرد، به جای محکومیت متجاوز، فشارها متوجه قربانی تجاوز می‌شود، طبیعی است که سخن گفتن از بی‌طرفی نهادهای بین‌المللی بیشتر شبیه طنزی تلخ است. با این حال، جمهوری اسلامی ایران همواره نشان داده است که اهل منطق، گفت‌وگو و راه‌حل‌های سیاسی است. آنچه ایران رد می‌کند، اصل مذاکره نیست؛ بلکه سوءاستفاده از دیپلماسی و نهادهای بین‌المللی به عنوان ابزاری برای اعمال فشار است.

از همین رو، راهبرد جمهوری اسلامی ایران بر یک اصل روشن استوار است؛ نه میدان را ترک می‌کنیم و نه دیپلماسی را. تجربه نشان داده است که میدان و دیپلماسی دو مسیر جداگانه نیستند، بلکه دو مؤلفه مکمل قدرت ملی‌اند. قدرت دفاعی، امکان مذاکره از موضع اقتدار را فراهم می‌کند و دیپلماسی نیز دستاوردهای میدانی را به نتایج پایدار سیاسی تبدیل می‌سازد. ما به وقت خود از دیپلماسی استفاده می‌کنیم و به وقت خود از قدرت بازدارندگی بهره می‌بریم.

در نهایت، آنچه امروز در منطقه جریان دارد را می‌توان «مذاکره شمشیرها» نامید؛ وضعیتی که در آن گفت‌وگو و قدرت سخت به‌طور همزمان در حال اثرگذاری بر یکدیگر هستند. آمریکا تلاش می‌کند از طریق ترکیب مذاکرات دیپلماتیک و فشارهای میدانی، به اهداف خود برسد و هزینه عدم توافق را افزایش دهد. اما ایران نیز با تکیه بر حق ذاتی دفاع مشروع، ظرفیت‌های بازدارندگی، عمق راهبردی منطقه‌ای و اهرم‌های ژئوپلیتیکی خود، نشان داده است که هم در میدان مقتدر است و هم در دیپلماسی مسلط و به دنبال جنگ نبوده و در برابر فشار نیز تسلیم نخواهد شد.

از هرمز تا باب‌المندب، از لبنان تا خلیج فارس، واقعیت جدید منطقه آن است که امنیت تجزیه‌پذیر نیست و هیچ نظم سیاسی و امنیتی پایداری بدون در نظر گرفتن نقش ایران، واقعیت‌های میدانی و حقوق ملت‌های منطقه شکل نخواهد گرفت. جمهوری اسلامی ایران از موضع اقتدار و ضمن دفاع از امنیت ملی و منافع راهبردی خود، در این فرآیند نه یک بازیگر منفعل، بلکه یکی از معماران اصلی نظم جدید منطقه‌ای خواهد بود؛ نظمی که در آن هیچ توافق پایداری بدون در نظر گرفتن واقعیت‌های میدانی، امنیت جمعی منطقه و احترام متقابل میان کشورهای منطقه دوام نخواهد آورد.

کاهش سن بازنشستگی به ۲۰ سال؛

دیوار بلند تبعیض میان زنان کارگر و کارمند!

براساس مصوبه جدید دولت در قالب قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت زنان شاغل دارای فرزند و مشمول قانون مدیریت خدمات کشور می‌توانند با داشتن ۲۰ سال سابقه کار بازنشسته‌شوند.

به گزارش روزنامه «صبح امروز» و به نقل از اقتصاد۲۴ در دولت اخیراً مصوبه جدیدی در قالب قانون «حمایت از خانواده و جوانی جمعیت» مسیر متفاوتی را برای بخشی از زنان شاغل باز کرده است که بر اساس آن، زنان دارای فرزند می‌توانند با ۲۰ سال سابقه و در سنین پایین‌تر از عرف معمول بازنشسته شوند.

بر اساس ضوابط اعلام‌شده، زنان دارای یک فرزند در ۴۲ سالگی، دارای دو فرزند در ۴۱ سالگی و دارای سه فرزند در ۴۰ سالگی امکان بازنشستگی خواهند داشت. سن معمول بازنشستگی زنان در قوانین پیشین حدود ۵۵ سال تعیین شده بود؛ به بیان دیگر، این مصوبه در برخی موارد تا ۱۵ سال کاهش سن بازنشستگی را رقم می‌زند.

خیل عظیم زنان شاغل در بخش خصوصی و بدون فرزند همچنان بی‌بهره!

این تسهیلات ویژه برای زنان مشمول قانون مدیریت خدمات کشوری و کارکنان دستگاه‌های دولتی در نظر گرفته شده است. در حالیکه مشخص نیست چرا خیل بزرگی از زنان مشمول صندوق بیمه تامین اجتماعی از این مزایا محروم هستند.

این امتیاز اکنون درحالی از زنان شاغل در بخش خصوصی سال شده است که پیش از این در برخی مقررات خاص، زنان با ۲۰ سال سابقه می‌توانستند زودتر از موعد بازنشسته شوند و در مواردی سن بازنشستگی به حدود ۴۲ سال می‌رسید؛ بنابراین آنچه اکنون به عنوان امتیاز ویژه به کارکنان دولت داده شده پیشتر جزو امتیازات همه زنان بود.

این امتیاز صرفاً به زنان دارای فرزند تعلق می‌گیرد و زنان بدون فرزند یا کسانی که امکان فرزندآوری ندارند، از آن محروم می‌مانند. این موضوع می‌تواند به شکل‌گیری نوعی تبعیض در نظام بازنشستگی منجر شود؛ تبعیضی که نه بر اساس سابقه کار، بلکه بر اساس وضعیت خانوادگی تعریف می‌شود.

بحران نظام بازنشستگی

در سال‌های اخیر دولت برای جبران کسری صندوق‌های بازنشستگی به دنبال افزایش سن و سابقه بیمه‌پردازی بوده است.

بر اساس گزارش‌های رسمی، صندوق‌های بازنشستگی کشور با بحران جدی منابع مواجه‌اند.



نسبت پشتیبانی که همان تعداد بیمه‌پرداز به مستمری‌بگیر است، در برخی صندوق‌ها به زیر ۲ رسیده، در حالی که حد مطلوب این نسبت حدود ۵ تا ۷ برآورد می‌شود.

همچنین برآوردها نشان می‌دهد بیش از ۷۰ درصد منابع برخی صندوق‌ها از محل کمک‌های دولت تأمین می‌شود و عملاً بدون بودجه عمومی امکان ادامه فعالیت ندارند.

در لایحه بودجه سال‌های اخیر نیز سهم قابل توجهی از منابع عمومی به پوشش کسری این صندوق‌ها اختصاص یافته است. به‌طوری که ارقام پرداختی دولت به صندوق‌های بازنشستگی به صدها هزار میلیارد تومان در سال رسیده است.

با اینحال دولت با حذف جمعی از حقوق بگیران در قالب سیاست جوانی جمعیت عملاً به دنبال کاهش بخشی از تعهدات خود است. اگرچه این موضوع برای صندوق‌های کشوری و لشکری به معنای کاهش ورودی و افزایش بحران این صندوق بازنشستگی‌است.

تعمیق نابرابری شغلی زنان و مردانه‌تر شدن محیط کار

از سوی دیگر، این سیاست از منظر بازار کار زنان نیز دارای اهمیت است. برخی کارشناسان معتقدند که بازنشستگی زودهنگام، اگرچه یک امتیاز حمایتی به حق برای زنان محسوب می‌شود، اما در عمل می‌تواند به خروج زودتر زنان از بازار کار و کاهش مشارکت اقتصادی آنان منجر شود. آنهم در شرایطی که مشارکت اقتصادی زنان نسبت به زمان بسیار پایین‌تر بوده و بازار کار در ایران همچنان به شدت مردانه است. همچنین هیچ تضمینی وجود ندارد که نیروی کار زن با مردان دیگری جایگزین نشود. عملاً سیاستگذار در غیاب در نظر گرفتن تبعیضی مثبت به نفع زنان در محیط‌های کار با این قانون به مردانه‌تر شدن بازار کار در ایران دامن خواهد زد.

در آخر این پرسش نیز مطرح است که آیا این سیاست می‌تواند به هدف اصلی خود، یعنی افزایش نرخ فرزندآوری، دست یابد؟ تجربه سیاست‌های مشابه در سال‌های گذشته نشان می‌دهد که تصمیم برای فرزندآوری بیش از آنکه به مشوق‌های کوتاه‌مدت وابسته باشد، تحت تأثیر عوامل اقتصادی کلان مانند امنیت شغلی، هزینه‌های زندگی و چشم‌انداز آینده است.

سیاستگذار در تلاش است با ابزارهای رفاهی، روند کاهش جمعیت را مهار کند، اما همزمان با انواع ابزارهای حمایتی توفیقی در نیل به هدف خود نداشته است. طبیعی است که زنان در یک اقتصاد تورم‌زا و بحرانی بیشترین آسیب را می‌بینند و اولین گزینه تعدیل نیروها قرار دارند.

هر چه هست حتی اجرای این سیاست نیم‌بند نیز به پایداری منابع مالی آن بستگی دارد. اما آنچه روشن است، این است که این مصوبه، بیش از آنکه یک تصمیم صرفاً حمایتی باشد، بخشی از یک معادله پیچیده اقتصادی و جمعیتی است که پیامدهای آن در سال‌های آینده روشن‌تر خواهد شد.

روزنامه
صبح امروز
خراسان رضوی
یکشنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۵ / سال هفتم / شماره ۲۳۰۵
Vol.3.No.2305 / Jun 14.2026
www.sobhe-emrooz.ir
۸

روزنامه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی خراسان رضوی و شمالی
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: حسین رفیعی
صفحه آرا: زینب پاک منظر
روابط عمومی وامور مشترکین: ۰۹۱۵۲۵۶۰۰۹۱
سازمان آگهی‌ها: ۳۸۹۲۹۸۲۳-۰۵۱
نشانی: بولوار دانش آموز – دانش آموز ۳۰-پلاک ۴
تلفن:۳۸۹۲۹۸۲۴-۳۸۹۲۹۸۲۵

مطالب درج شده در روزنامه الزاما به معنای تایید محتوای آن نمی باشد.
روزنامه صبح امروز پذیرای مطالب و مقالات شما مخاطبان ارجمند می باشد.

Sobh_Emrooz
Sobh_Emrooz

۵۱۱/۱اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک قوچان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی . برابر رای شماره۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۲۰۸۹-۱۴۰۵/۰۲/۲۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قوچان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای رجبعلی خوش نکاه دوغائی فرزند بابا بشماره ملی ۰۸۷۰۶۲۲۲۹۳ صادره از قوچان در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۰۴۳/۴۶ متر مربع قسمتی از پلاک ۲۵۴- اصلی واقع در بخش ۲ قوچان اراضی دوغایی خریداری از مالک رسمی آقای میرزا حیدرسیدی دوغایی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۲۴ م.الف۲۳۱

علی سرایی-رئیس ثبت اسناد واملاک قوچان

۵۱۱/۲اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک قوچان

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی . برابر رای شماره۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۲۲۸۳-۱۴۰۵/۰۲/۲۹ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک قوچان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عزیزالله فرامرز حسن زاده کلاته شامحمد فرزند حسن بشماره ملی ۰۸۷۱۹۱۴۶۹۷ صاده از قوچان در یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۷۰۳۹۰/۳۳ متر مربع قسمتی از پلاک ۳۸ فرعی از ۳۹ اصلی واقع در بخش ۲ قوچان اراضی دولتخانه خریداری از مالک رسمی آقایان حسن غلامحسینی سالانقوچ و محمد آشیانه و حیدر علی الهوردی زاده محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۲۴ م.الف۲۲۷

علی سرایی-رئیس ثبت اسناد واملاک قوچان

۵۱۱/۳آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

۱-برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۵۰۰۲۴۷۴ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم ربابه فاضلی فرزند علی اصغر در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۱۰۲/۶۱ مترمربع از پلاک شماره ۱۶۵ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی آقای شکراله فراهینی محرز گردیده است. (م الف ۷۸۲۸) ۲- برابر آرای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۵۰۰۱۲۸۰ و ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۵۰۰۱۲۸۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای حسین خلیقی فرزند علی نسبت به چهار دانگ مشاع از ششدانگ یک باب ساختمان و آقای حسن خلیقی فرزند علی نسبت به دو دانگ مشاع از ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۴۷/۳۳ مترمربع از پلاک شماره ۱۳ فرعی از ۱۰ اصلی واقع در بخش ۱۲ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی آقای محمد آتشگاهی محرز گردیده است. (م الف ۷۷۸۹) ۳- برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۵۰۰۲۴۶۵ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای عزیزالله ماروسی فرزند حسین در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۴۷۹۳/۸۳ مترمربع از پلاک شماره ۹۹ اصلی واقع در بخش ۶ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی آقای عزیزالله ماروسی محرز گردیده است. (م الف ۷۷۸۵) ۴- برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۵۰۰۲۷۴۹ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای احمد عابدی شرق فرزند صادق در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۱۰۲ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۲ اصلی واقع در بخش ۲ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی آقای علی اکبر بیات ترک محرز گردیده است. (م الف ۷۷۹۰) ۵- برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۵۰۰۱۲۵۱ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک نیشابور تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای مجتبی عسکرآبادی فرزند قاسم در ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۵۳ مترمربع از پلاک شماره ۳۰ فرعی از ۱۵ اصلی واقع در بخش ۵ حوزه ثبت ملک نیشابور خریداری از مالک رسمی آقای محمد پیرانی محرز گردیده است. (م الف ۷۷۹۴) لذا مراتب به منظور اطلاع عموم دردوروزنامه، یکی روزنامه محلی و دیگری در روزنامه کثیرالانتشار و دردونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۰۹ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۲۴

محمد بیرم آبادی- کفیل اداره ثبت اسناد و املاک نیشابور

۵۱۱/۴اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی . برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۲۷۱۰۰۲۸۵۹-۱۴۰۵/۰۳/۱۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای محمود بیانی راد فرزند محمد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۰۶۳۳ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۳۶- اصلی واقع در اراضی فارمد خراسان رضوی بخش ۹ حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج از محل مالکیت مشاعی خود متقاضی و علی اکبر ببری قرقی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۲۴. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰ م.الف۴۹۱۵۹

امید خیر خواه -رئیس ثبت اسناد واملاک منطقه ۵ مشهد

۵۱۱/۵اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۰۶۰۰۲۸۵۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تربت حیدریه تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای احمد غلامی فرزند برات به شماره شناسنامه ۳۰۷۱۹ صادره از تربت حیدریه در ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۱۷۲/۵۰ متر مربع در قسمتی از پلاک شماره ۴۵۰ فرعی از پلاک شماره ۲۳۱ اصلی واقع در اراضی دیزقند دهستان اربعه واقع در خراسان رضوی بخش یک حوزه ثبت ملک تربت حیدریه خریداری وانتقال ملک از محل مالکیت مشاعی متقاضی محرز گردیده است.لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند ازتاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند .بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد . تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۰۳/۲۴. تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۰۴/۰۹ م.الف۲۲۰۴۶۲۰

سید امین موسوی ـ رئیس ثبت اسناد و املاک تربت حیدریه

۵۱۱/۶اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۲۷۱۰۰۲۲۶۰ مورخ ۱۴۰۵/۰۲/۳۰ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای/ خانم سیدرضا هاشمی فرزند محمد بشماره شناسنامه ۲۹۰ صادره از مشهد نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۵۰۰۹ متر مربع، قسمتی از پلاک ثبتی یک فرعی از ۱۰۹ اصلی واقع در اراضی حسن آباد خراسان رضوی بخش ۹ حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج از محل مالکیت محمد هاشمی محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس ازاخذ ،رسیدظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف :۱۹۳۸تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۵/۳/۲۴تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۵/۴/۱۰

امید خیرخواه-رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه۵مشهد

۵۱۱/۷اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۲۷۱۰۰۲۸۲۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۱ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای خانم/ مجتبی فضائل محمد زاده فرزند محمد بشماره شناسنامه ۵۵۷۷ صادره از مشهد نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یک باب ساختمان(انبار ضایعات) به مساحت ۴۵۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۵۵- اصلی واقع در اراضی سیاسک سفلی بخش ۹ حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج از محل مالکیت زهرا میرنوزادی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود درصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند ازتاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.م الف :۱۳۹۵تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۳/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۵/۴/۱۰

امید خیرخواه-رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه۵مشهد

۵۱۱/۸اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۲۷۱۰۰۲۸۳۳ مورخ ۱۴۰۵/۰۳/۱۲ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم عباس فضایل محمدزاده فرزند محمد بشماره شناسنامه ۱۷۴۹۵ صادره از مشهد نسبت به سه دانگ مشاع از ششدانگ یک باب ساختمان (انبار ضایعات)به مساحت ۴۵۰۰ متر مربع قسمتی از پلاک شماره ۱۵۵ اصلی واقع در اراضی سیاسک سفلی خراسان رضوی بخش ۹ حوزه ثبت ملک مشهد منطقه پنج از محل مالکیت زهرا میرنوزادی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ ،رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.م الف :۱۹۳۰تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۳/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم :۱۴۰۵/۴/۱۰

امید خیرخواه-رئیس ثبت اسناد و املاک منطقه۵مشهد



محک
مؤسسه خیریه حمایت از کودکان مبتلا به سرطان
mahak-charity.org
۰۲۱ - ۲۳۵۴۰
شماره کارت بانک دی
۵۰۲۹-۳۸۷۰-۲۰۰۰-۰۶۵۶
یک اسکن تا سلامتی